



# پایم آزادم

شماره ۱۶  
دی ۱۳۶۱

## خروج از استیصال یا پوش مرگ؟

### درباره سندیکا

پیام ۲۴ آذر خمینی و گفتارهای بعدی او اقداماتی که به دنبال این پیام تا کنون، انجام آنها از جانب مسئولین دولتی و مامورین پیگیری پیام اعلام شده اند، همگی حکایت از وجود و آغاز اجرای طرحی جدید می کنند. خمینی باردیگری در پی به میدان می آید و همانند مراحل بحرانی سابق عمر رژیم، خود سنگان کشتی طوفان زده را به دست گرفته است.

همانطور که در سلسله تفسیرهای پیشین رخدادهای ششماه اخیر ایران شرح دادیم، مدت هفت گانه اجزاء مکمل یک وضعیت به غایت بحرانی و مستأصل کننده به هم درآمخته و رژیم ولایت فقیه را، هم در عرصه داخلی و هم خارجی، در یک وضعیت استیصال و اضطراب قرار داده است. علیرغم کلیه هجوم ها و کشتارها، مقاومت مسلحانه سراسری مجاهدین خلق و رزمندگان کرد دوام

یافته، نارضایتی عمومی با لا گرفته، مقاومت منفی مردم متراکم تر شده، تضاد بین جناحهای مختلف حاکمیت سخت تر شده و جنگ فرسایشی با تمام عواقب وخیم آن ادامه یافته است. از سوی دیگر حاکمیت فالاترستی موفق نشده است، سیستم تولیدی - توزیعی مشخصی را جایگزین ارگان از هم پاشیده و راگد اقتصاد قلی کرده و چارچوب و حدود سیاسی - ایدئولوژیک ثابتی را سازمان دهد که در حیطه موازین روشن و صریح و ثابت آن، مردم بتوانند حد اقلی از زندگی شخصی و معاش خانوادگی و مراد و اجتماعاتی خویش را تنظیم نمایند.

سیستم حقوقی از هم پاشیده است. هنوز از ارگان یک سیستم "مد درصد اساسی" که بتواند جایگزین نظام بقیه در صفحه ۲

نیروهای متعهد انقلابی، ملی، دمکرات و ضد امپریالیست پیوستن و گسترش بیش از پیش این ائتلاف تاریخی است. پیام نمایندگان شورای ملی مقاومت در تمام جلساتی که برگزار گردید، وحدت و پیوستن به شورای ملی مقاومت بود و این فراخوان نمایندگان شورا از جانب حضار و شرکت کنندگان با استقبال روبرو گردید.

پیام آزادی متن سخنرانی نماینده شورای ملی مقاومت را که در این جلسات قرائت شده است، برای اطلاع بیشتر خوانندگان و هم میهنان عزیز چاپ میکند.

بقیه در صفحه ۵

کارگران از طریق نهاد های دسته جمعی خویش خود را همچون یک طبقه تجربه میکنند، با ساسی ترین این نهاد ها سندیکا سه. هویت سیاسی - اجتماعی طبقه کارگر نخست در سازمان نهاد صنعتی اش تحلی مییابد. طبقه کارگر در خارج از این نهاد های تاریخی خویش، هویتی گامه "سی اثر دارد. طبقه کارگر از طریق موقعیت اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی از سقیه" خامسه متمایز است، اما فی نفسه گروه بهیستته ای که قادر به هرگونه عمل اجتماعی باشد، نیست. برای آنکه قادر به چنین عملی شود، باید همچون یک طبقه بخود آگاه شود و فقط در سازمانهای معینی است که میتواند چنین شود. وجود صرف سندیکا صرف نظر از اینکه درجه سازشکاری رهبران آن چه اندازه باشد، علامت "بیابگر شکاف برناشدنی میان سرمایه و کار در یک جامعه مبتنی بر بازار است. سندیکا تحسم پاسخ صنفی طبقه کارگر به ادعای شدن در سرمایه داری بر مبنای اصول آنست. به همین دلیل سندیکا، تنها ابزار ساده مبارزه اقتصادی کارگران نیست بلکه همچنین ایجاد کنند آگاهی طبقه کارگر نیز هست. سندیکا هوشیاری کارگران را در مورد هویت حد اگاهانه خویش همچون یک نیروی اجتماعی با منافع صنفی ویژه خود باعث میگردد. چنین هوشیاری و آگاهی ای، زمینه و پیش شرط کسب آگاهی والا تر اجتماعی و سیاسی میباشد. بنابراین اولین گام در جهت آگاهی یافتن کارگران نسبت به منافع صنفی و طبقاتی خویش بقیه در صفحه ۷

به شورای بیوندیم!

مقدمه

از تاریخ ۸ نوامبر تا ۱۸ دسامبر ۱۹۸۲ جلسات سخنرانی و بحث از طرف رفقا مهدی خانباها تهرانی و همین نیرومند، نمایندگان شورای ملی مقاومت در آلمان غربی و اطریش با حضور بیست و سه هزار نفر از هم میهنان ایرانی در شهرهای کلن و برتال، بوخوم، آخن، فرانکفورت، دوسلدرف، برمن هامبورگ، برلین، تونینگن و مونیخ برگزار گردید. در این جلسات نمایندگان شورای ملی مقاومت با تشریح شرایط احساس کنونی ایران و موقعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حاکم و وصف بندیهای درونی جامعه، نشان دادند که چرا شورای ملی مقاومت، تنها آلترناتیو مردمی، دمکراتیک ممکن و موجود جامعه ماست و وظیفه

## پیرامون "برنامه حزب کمونیست"

کوله و اتحاد مبارزان کمونیست

گذشته است یعنی بطرح مسائل و نظرات عمومی متداول در جریانات "چپ سنتی" در قالب "قبولانی" ما، نوس نظیر "انقلاب" و "پرولتاریا" "حزب پرولتاریا" و... اکتفا کرده، بلکه کوشیده است موضع خود را در مباحث "مزبور" متحد تنظیم "برنامه حزب کمونیست" ارتقا داده و در واقع "نظری" انقلاب ایران را تدوین نماید.

دوم آنکه یک بخش از تدوین کنندگان "برنامه" مزبور یعنی سازمان کوله، از موقعیت خاصی بویژه در جنبش انقلابی کردستان برخوردار است و شرکت وی در تنظیم "برنامه" مزبور، چندانی آثر ارتقا داده بقیه در صفحه ۳

مدخل بحث: در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ از سوی "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران حکومت" و "اتحاد مبارزان کمونیست" مشترکاً برنامه های انتشار یافت که "برنامه حزب کمونیست" نام دارد.

مطالب مندرج در این "برنامه" از اجزای خاص بر - خوردار هستند. البته نه از آن جهت که گویا بسه معضلات جنبش چپ ایران پاسخ گفته اند، بلکه از دو جهت دیگر: یک آنکه این "برنامه" حاوی نقطه نظرات مدون و تنظیم شده بخشی از جنبش چپ سنتی ایران است که در محتوی قدیمی فراتر از آنچه تا کنون "چپ سنتی" ایران بر داشته بود

### در صفحات

- به یاد... شهری مهاجرت ۱۲
- در سبای لستان ۱۰
- بقیه پیش نویس قانون کار ۱۱
- نظاره ها و گزاره ها از ایران ۱۲
- بیانیه مسئول شورا و طارق عزیز ۹

حروج از استیصال با پرسش مولود؟

سابق شود، حبری نیست. سیستم اداری فاقد یک مدیریت کارآمد و محروم از یک طرح استخدای متناسب با نیازهای جامعه و هدفهای حاکمیت است. افتخارش و بی برنامهگی بر این نظام نظم ستیز حکومت میکشند. فرهنگ و آموزش عالی نیز که از الزامات کارآمد شدن کلیه سئون رندگی اجتماعی و اقتصادی می باشد، سالیانست راکد مانده و بعضاً پیران شده است. موضوع گیری از انفعال نانی از ارعاب به در آمده و ززمه مخالفت به زبان اعتراض ارتقا یافته و قطب بندی سراسری جمعیت ایران به صورت اکثریت عظیم مخالف و اقلیت تغلیل پاینده موافق نضج گرفته است و برای بقای حاکمیت رژیم سلسل و کشتار عمده ترین ابزار کار شده است، حاکمیتی کینه افتخارش درونیش خود شیخ بسیار کار تشنجات دانسم و آشفنگی های گوناگون می مانند و دولت آن خود ضعیف ترین حلقه آن محسوب می شود.

رژیم ولایت فقیه حالا دیگر حتی از آن حمایت توده های "امت حزب الله" نیز که بدن میبازیه - جنسدان برخوردار نیست. دیری است که عناصر ترس فرسایش درونی و تلفات دائم صفوف این "امت" را نیز رو به تغلیل و تفتت برده است. فالانژسیم ولایت فقیه دیگر نه از آن قابلیت تسلیح ایدئولوژیک و بسیج توده های ضروری برای ادامه خط "صدور انقلاب" برخوردار است و نه موفق به ایجاد یک ارتباط ارگانیک با یکی از قدرتهای بزرگ جهانی (یا هر دو آنها) شده است که شاید با این کار از یک تکیه گاه محکم بین المللی سود جست و از انزوای جهانی بدر آید.

هرآینه معادله فشار داخلی (که به معنی ترکیبی از مبارزه مسلحانه و مقاومت منفی توده های، اشکال دیگر مبارزه و محموله های از معضلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...) است) و خارجی آنچنان تغییر نیابد که بتواند حد اقل جای خالی پشتوانه بر باد رفته داخلی را برای این هیولای ضد تاریخی از طریق حذب امکانات و حمایت های خارجی تا حدی بر کند - تا شاید چند صباحی از این سر بر عمر او بیفزاید - این جهره مخوف در میان منطوق واقعیات داخلی و خارجی رو به فرسایش، مرگبار خواهد رفت. رژیم خمینی مدتی است که با فشار فزاینده داخلی و مطالبات خارجی روبروست. عناصر تشکیل دهنده فشار داخلی که در حجت سرنگونی این رژیم عمل میکنند، او را در عین حال وادار میسازند که با تن دادن به قیول برخی تغییرات سطحی و اعتراف به برخی از گناهان گذشته برای بسطی ولایت فقیه به مقابله با این عمل کرد بپردازد. هدف اولیه فشارهای خارجی منطبق کردن سیاستها و برنامه های گوناگون رژیم با مطالبات قدرتهای بزرگ است. همین اصلی فشارهای خارجی از مدتی پیش به اینطرف طرح یک نوع استحاله است. امپریالیسم آمریکا بهترین حامی فعلی این طرح است. در این طرح که هدف اصلی آن تثبیت رژیم از طریق تبدیل آن به یک حکومت دیکتاتوری کارآمد است، گوشه های دو جانبه رژیم و دل سوزان محبت کار حساری آن به نقطه تقاطع توافق آمیز میرسد. اما رژیم دیکتاتوری در شرایط فعلی جامعه ما برای تثبیت خود:

- به دولتی قوی و قاهر نیازمند است، بدون مزاحمت ها و کار سنگینی های، مراکز دیگر قدرت، و قارع از بار سنگینی پوشش ایدئولوژیک خود، که اکنون حاذبه خود را از دست داده و از حمایت میلیونی محروم شده است.
- به کردت با آرزو ثروت محتاج است تا به حای مایه

توده ای و ایدئولوژیک بر باد رفته، تا حدودی به سنگسیر های سرمایه و مال تکیه کند و توسط آن بتواند محسوس از طیف عظیم و فزاینده مخالفین رژیم را دچار تردید و تزلزل کند و "وحدت کلمه" آنها را به هم زند.

- پس امنیت داخلی برای دولت و امنیت نسبی برای مال و معاش مردم ضروری می شود. یعنی از اصطکاک داخلی رژیم باید به نوع تقویت موضع دولت گاسته شود تا اصلاحات تضمین های لازم برای بنا و بارآوری مالکیت سرمایه و مان

جدی تلقی شود و عمل در حجت این تضمین ها ممکن گردد. اما طرح استحاله از یک رژیم فاذا نزیستی دروفا متضاد به یک رژیم دیکتاتوری مستلزم حل اولیه تناقضات دروسسی است. اگر رژیم خمینی خواهد از معادله سقوط خورد، یعنی رشد همه جانبه فشارهای داخلی به علاوه افزایش فشارهای مطالباتی خارجی به علاوه اصطکاکات فرساینده و فلج کننده درونی خود خارج شود، پیش از هر کار باید تناقضات درونی را کاهش داده و فشارهای خارجی را نیز از طریق حذب حواسته های آنان به حمایت تبدیل کند.

اما واضح است که پیش فرض ورود به احسرای این طرح حل تناقضات "امت حزب الله" است، یعنی با عنصری که تحت عنوان عوام فریبانه "انقلابی رفتار کردن" مخل کلیه امور تعارف دولت و هستی عادی اجتماع شده است. همینجاست که اولین گرفتاری و تناقض طرح استحاله نیز برار دارد. ظاهراً برار است "دوران انقلاب" تمام و دوران سازندگی و آرامش شروع شود، فرار است شروط و قیود ایدئولوژیک برای کار و تولید و استخدام و... بالکل تخفیف یابد و "معقول" شود، قرار است جمهوری خمینی از انزوا خارج شود، متخصص محترم شمرده شود، دانشگاه باز شود، امنیت سکون حفظ گردد و ولایت بعد از مدتی هم تدارک پایان جنگ دیده شود؟ ولیکن بدون حذف "امت حزب الله" که از حدود دو سال پیش علناً در "صحنه" جولان داده است، هیچگونه شانس در این فشار آخر عمری برای خمینی متصور نیست.

این طرح البته با ملامت های از جانب جناحی که به خط امام موسوم است روبرو خواهد شد، لکن مساله اصلی همان گوشه است خمینی، یعنی "حزب الله" است. در اینکه ولی فقیه و مرجع اولی میتواند ماه به ماه موضع خود را عوض کند، حاسوسی را یکبار صد درصد به شیخ اسلام و سساری دیگر ضد اسلام طرد کند و امثال این چرخه های فاحش، در این قضیه شکی نیست. "امت حزب الله" به اعتراف تعصب و جهل سیاسی و فرهنگی، کتسر به حافظه خود مراجعه می کند تا به سامعه و صاخره و بیشتر توانائی تقلید دارد تا تفکر حتی مایه. حیسی هم به صفات بارر اس خود واقف است و حسارت او در هر نسوع حرحش به ما حکمی به حطارت دولت فکری امتش می باشد، لکن مساله به همیحا حتم می شود. طول عمر فعلیت و حولاندهی حزب الله به آن اندازه بوده است که مستل از رابطه "امام و امت" انگیزه های مادی مهمی برای ایس

ام پیدا شده و به وی "شخصیت" و مال و منال و موضع قدرت بخشیده است. روانشناسی "امت حزب الله" دیگر تنها از عناصر تعصب و جهل و ایمان کور تشکیل نمی شود. حکام شرع، عمده انجمن های اسلامی، حواسیس محل کار و زندگی، بخشی از بسیج و حتی پاسداران نیز واحدهای سازمان یافته "امت حزب الله" می باشند. احزاب ایسن حماقت هریک به آلف و علوفی رسیده اند و طعم مقامی چشیده اند که دیگر به صرف سوت و صدای جوان به آفل بر نمی گردند. از اینها گذشته حماقت "حزب الله" در اس دو سال و اندی که از آغاز جنگ می گذرد هزاران حساب

خود را در راه امام فدا کرده و هزاران حواس دیگر هم به زیر برحم وی فرستاده است که هم اکنون حی و حاضر مسلح و آماده اند.

آیا خمینی می خواهد و اصلاحی تواند به این المپولی که خود آورده است مهار بزند؟ یا اینکه محصور می شود از همولای دیگری که بزرگ کرده، بیسی از ساه پاسداران و کمیته ها و غیره همچون شمیر داوگلس مرگوس "امت حزب الله" سود حویید؟ و اصلاح برای حسین فرعی ساه پاسداران آمادگی احرائی دارد و اگر هم داشته باشد به معنی بیسروی بعدی ساه از ارگانهای دولتی خواهد بود؟

از طرف دیگر عوام خروچ فرضی "امت حزب الله" از صحنه، قابلیت گسترش بعدی آن برای خمینی و اغواش خواهد بود و اصلاحی خواهد توانست با چنین حراحی های بزرگ سیکر حوییش، حان سالم به در برد و اشی از نو و نوای دیگر پیدا کند. همانطوری که فراکسیون عوض می کند یا به توده ای اش را نیز عوض کند؟

این سئوالات و بسیاری دیگر را می توان طرح و سسکرد و ادامه داد. این نوع پرسشها و امثالهم، حواء یسا ناحواه اکنون در ذهن میلیونها هموطن مستندیده مسا جاری است و به صرف یک پاسخ کوتاه برای تمام پرسشها، که خیر این طرح، ترفتند و مضحک ای بیش نیست، نمی توان کسکایی، شک آییخته به مشاهده و اسطساره، حیرت و میل به استصمام مسائل و رحداد های حاری را به مردم میهنمان توضیح داد و راه هکنای حورگ بعدی آنها گردید.

طرح تبدیل به دیکتاتوری کار آمد را ظاهراً خمینی هم به شرط حفظ ولایت فقیه و سرکوب بی امن اپوزیسیون شرعی - قبول کرده است. این طرح بیشتر جنبه سیاسی دارد، زیرا هدف اصلی آن فراهم کردن و برراه انداختن تشکیل و تثبیت یک دولت مقتدر و مستبد، یعنی یک دیکتاتوری کار آمد است. ضروری این است که در این رابطه زمینه برای به کار افتادن ثروت و سرمایه نیز فراهم میشود. این طرح در زمینه آزادیهای سیاسی تضمین هیچ بهبودی نخواهد بود. اما به نظر میرسد که در زمینه سخت گیریهای مذهبی، به خصوص در عرصه مسائل امنیت در صدد پذیرش برخی تحقیق ها و تأمین برخی مقررات قانونی است.

نیت خمینی هر چه باشد، ورود او به روند اقدام محدودی جدیدی از تضادهای درونی رژیم و تضادها و گرایشهای متفاوت جامعه فاحشه زده را فعال تر خواهد کرد. با در نظر گرفتن این واقعیت که ماهیت هسته اصلی این طرح سیاسی است و احسرای آن - در صورت تداوم - موجب تا ثیرات گوناگون در جامعه خواهد شد، اپوزیسیون مستولیت سنگینی در فهم آن و در تنظیم یک برنامه واکنش صحیح در مقابل آنرا دارد. حتی اگر هم اکنسور نیز صد درصد مطش باشیم که نطقه شکست این طرح درون خود روم است و درست به اعتبار حضایر دانسی روم ولایت فقیه هر نوع استحاله آن سرمایه سکت می خورد، یا برش - یک رژیم خمینی است و باز هم اپوزیسیون ماند نتواند در کم و کیف پیرویه شکستی که نتیجه رژیم می شود معالانه در حالت دانسه باشد و نگونند طسوری واکنش نشان دهد و به گونه ای داده های جدید را در استراتژی سرنگونی حای دهد که در هر حال - در شکست یا موقعیت طرح - مرگ رژیم ولایت فقهانی سختی باشد.



## پیرامون "برنامه حزب کمونیست"

تعمیلی "یعنی همان جریان معروف "دروازو پرند" به منطق چوبین و مفلوح راحت طلبان و گریزان شدگان از واقعیات تبدیل شده است؟

مادر این جابه جند نمونه تفاوت، مخصوصاً در رابطه با جامعه ایران و مقایسه آن با کشورهای سرمایه داری اشاره میکنیم تا معلوم شود، رفقا به چه مسائلی توجه ندارند و چه گونه از ملاحظه عوامل مهمی که در نتیجه تحول و مناسبات اجتماعی و سیاسی حاصل از آن قویا تاثیر میکند، غفلت می‌وروند.

۱ - تفاوت در زمینه مبادا حرکت. نگارندگان برنامه می‌نویسند ایران از یک دوره فئودالی به سرمایه داری تحول یافته است. آیا آنها قیلابه این سوال پاسخ داده اند که شیوه تولیدی قبلی در ایران فئودالی بوده است؟ آیا آنها به تفاوت‌های عمده ای که بین فئودالیسم اروپائی و آن شیوه تولیدی که در ایران وجود داشت واقف نیستند. مادر اینجا نمیخواهیم وارد این بحث بشویم که جامعه گذشته ما فئودالی یا آسیائی یا از نوع دیگر بوده است، ولی آنچه در هر حال بایستی مورد توجه قرار بگیرد، این واقعیت است که تفوق مالکیت دولتی در ایران گذشته با مالکیت پراکنده و مستقل فردی اروپائی تفاوتی ماهوی داشته است. از این تفاوت - به تفاوت‌های دیگری جانی برد ازیم - نتایجی در آرایش و مبارزه طبقاتی حاصل بوده است، که نه تنها شکل سیاسی جامعه گذشته ایران را از فئودالیسم اروپائی متمایز میکند، بلکه در جریان تحول این جامعه به جامعه کنونی و در نتیجه این تحول نیز مؤثر بوده است. در این رابطه کافی است به این نکته اشاره بشود که تفوق مالکیت دولتی و اولویتی که قدرت دولت متکی به مالکیت غیر شخصی در زمینه سیاست به دست میآورد، تنها مربوط به گذشته نیست، بلکه در ادامه آن علیرغم همه تحولات در دوران "سرمایه داری ایران" نیز یکی از مشخصات اصلی این جامعه را تشکیل میدهد. نتیجه ای که از این واقعیت در زمینه مبارزات طبقاتی حاصل میشود، واقعیت دیگری است که تنها بهر جزم اندیشیان و الگو گرایان پوشیده میماند: مرکزیت یافتن مبارزه ضد دولت در متن مبارزات طبقاتی در ایران. محور اصلی مبارزات طبقاتی در ایران امروز - علیرغم وجود تضادها و مبارزات غیرقابل انکار بین پرولتاریا و بورژوازی - مبارزه این دو طبقه بایکدیگر نیست، بلکه مبارزه همه قشرها و طبقات مردمی علیه دولت است. این واقعیت را ایران امروز تا حد زیادی از گذشته خود به ارث برده است.

۲ - تفاوت در روال حرکت. فرجام تحول شیوه تولید و فئودالی به شیوه تولیدی سرمایه داری در کشورهای مختلف در سترهای متفاوت و مشخص حرکت تاریخی صورت پذیرفت.

در اروپا با کنترس صنعت و فتح دروازه های علوم و فنون و کاربرد آنها در زمینه ارتقا، بازده تولید، با خلع ید طولانی دهقانان از زمین و جذب آنها در بازار کار، با مرکز و انباشت تولید و باز تولید سرمایه و بموازات همه آنها با دست اندازی روشنفکران و متفکران فرهنگ نواخته بورژوازی به فرهنگ کیسائی و اویستو - کراسی پادشاهی، کمکم دوره حاکمیت شیوه تولید فئودالی به انجام رسید و جوامع مزبور وارد مرحله دیگری از تکامل اجتماعی خود شدند. این تحول تاریخی

در جوامع مزبوره یکزمان اتفاق افتاد و نه همان سه یک به پیش رفت. شرایط معین و ویژه گنجهای هر کدام از این گونه جوامع در طولانی تر شدن یا کند تر شدن، در خونین بودن یا آرام بودن این "فرجام" تا تاثیرات معین خود را باقی گذاشت. در فرانسه با انقلاب کبیر و دفن فئودالیسم بصورت قهر آمیز، این دوره به - سرانجام خود رسید. در آلمان از طریق "توافق"

بورژوازی با اشرافیت زمینداران از راه بررسی زمینگسترش مناسبات سرمایه داری فراهم آمد. و در آمریکا و سوئیس هر کدام به شکل دیگری، اینکه همه این راههای تحول تاریخی (چه راه قهر آمیز و انقلابی فرانسه، چه راه طولانی و دردناک گسترش سرمایه داری از طریق "بررسی" در آلمان و چه راه طولانی و کمتر دردناکتر توسعه مولدین خرده) همه به بسط و انکشاف شیوه تولیدی سرمایه داری انجامیدند، اما هر کدام ویژگیهای خاص خود را داشتند. راهها و روالهای مختلف دارای نتایج آشکار در زمینه مبارزات طبقاتی بودند. آنها موجد سنت های مختلف در این زمینه شدند. نتایج آنرا هر چه بینه ای امروز در تفاوت مبارزات طبقاتی در کشورهای سرمایه داری می بیند. در عین حال باید اضافه کرد که همه این به "فرجام" رسیدن های دوره فئودالی علیرغم تفاوت های زمانی و مکانی خود یک نقطه اشتراک داشتند و آن این بود که این تحول شیوه تولید انتکالسی از اتودینامیسم درونی خود جامعه مبدی، یعنی دربرگیرنده و شامل اجتماعاتی درجه معینی از ناسازگاری رشد نیروهای مولده با مناسبات عقب مانده تولیدی جامعه راه آن لحظه تاریخی معین از بلوغ دینامیسم درونی میسراند که لاجرم آن تحول تاریخی در شیوه تولید، ضروری میساخت. آیداد ایران نیز وضع "بدینسان" بوده است. آیا این تحول - که شمانها "به طولانی و کند" بودن آن اندعان میکنند، با چنین مشخصات و از چنین راههایی صورت گرفته است. آیداره تحقق این "فرجام تاریخی" همان راه پروسی بوده است، راه انقلاب فرانسه بوده است، راه امریکائی بوده است؟ آیا با اشاره کردن به طولانی و کند بودن راه ایران، مشخصات اصلی آن را بیان کرده اید؟ آیا نتایج سیاسی حاصل از این ویژگی راه را تعیین کرده اید. واقعیت این است که راه "سرمایه داری شدن" ایران شباهت به هیچکدام از راههای شمرده فوق ندارد. از این رو نتایج این راه هم به هیچوجه "همگون" نتایج راههای تحول دیگری نتواند باشد. کافیت بدینامیسم برونی راه تحول در ایران اشاره کنیم تا در این فرصت تذکری در این باره داده بانیم که چه نتایجی از این واقعیت نه تنها برای کیفیت مبارزه طبقاتی در ایران، بلکه حتی برای کل ماهیت جامعه حاصل میشود. این نکته را باید در بحث دیگری باز کنیم.

۳ - تفاوت در محیط تاریخی. روند تحول شیوه تولید فئودالی به سرمایه داری در کشورهای پیشرفته کاپیتالیستی به طور عمده در دوره ای صورت پذیرفت که در سرتاسر آن استفاده از امکانات جهانی از طریق بکار برد ابزارهای استعماری برای انباشت سرمایه ممکن بود به عبارت دیگری برای تکوین و تکامل این شیوه تولیدی در کشورهای مربوط تمام پهنه جهان آماده برای بهره برداری بود. این واقعیت هم در تسریع روند انکشاف سرمایه در این کشورها مؤثر بود و هم در تعیین جگونگی مناسبات طبقاتی و مبارزه بین بورژوازی و پرولتاریا.

سوال اکنون این است که آیا روند تحول شیوه تولیدی

ایران از فئودالی به سرمایه داری "نیز در همین محیط تاریخی انجام گرفته است؟ آیدارست ترین نیست که بگوئیم: فرجام تاریخی تحول به شیوه تولید سرمایه داری در کشورهای پیشرفته، قبل از امپریالیسم صورت گرفته و در ایران در دوره امپریالیسم: بگوئیم که: در یک جا این تحول با استفاده از همه امکانات جهانی انجام شد، و در ایران جامعه خود از جمله امکانات جهانی آن تحول دیگران بود. آیا این تفاوت عظیم در محیط تاریخی تحول، دارای نتایج سنگینی در زمینه رشد نیروهای مولده، در زمینه فرهنگ سیاسی، در زمینه تناسب طبقات و آرایش مبارزه طبقاتی نیست؟ نگارندگان "برنامه" به این امر توجهی ندارند و اگر در برنامه خود در زمینه این "تحول شیوه تولید"، آنرا بر اساس نیازمند یهای امپریالیسم میدانند، اما از تعقیب نتایج تبعی، آن خود داری نموده و یاد راه "بدین سان" و "همگون" این تحول شیوه تولید را یکسان و مانند همدیگر قلمداد میکنند، تا نتایج مفلوظ خود را دریافت نمایند.

۴ - تفاوت در زمینه نتایج تاریخی. تحول شیوه تولید فئودالی به سرمایه داری در جریان تحقق خود در کشورهای مختلف به نتایج گوناگون در زمینه درجه رشد نیروهای مولده، جگونگی آرایش طبقات، وزن مخصوص هر کدام از آنها، اسلوب مبارزه طبقاتی و درونهای این مبارزه رسیده است. مثلا در کشورهای سرمایه داری پیشرفته طبقات قابل تعریف بورژوازی و کارگری شکل گرفته و انسجام یافته اند. مبارزه بین این طبقات به صورت نهان و چه به صورت آشکاره شکل کم و بیش منحصر و قابل شناخت در جریان است. این مبارزه در جهت حل معضلات ناشی از سرمایه داری حرکت میکند. همه این حرکات و تحولات در عالیترین سطح ممکن رشد نیروهای مولده مادی و انسانی، در یک جوسیاسی دموکراتیک و در یک مرتبه بلند انکشاف فرهنگی انجام میگردد. اینها همه نتایج آن "فرجام تاریخی" تحول شیوه تولید از فئودالی به سرمایه داری میباشند. آیداد ایران هم مابین نتایج روبرو هستیم؟ آیا انکشاف و انسجام طبقاتی "همگون" در کشورهای سرمایه داری جهان در ایران صورت پذیرفته است؟ آیا نیروهای مبارزه در تخصص بین کار سرمایه دارای بلوغ طبقاتی و فرهنگ سیاسی و سازمانهای طبقاتی خود میباشند. آیا میتوان وزن مخصوص اجتماعی پرولتاریا در کشورهای سرمایه داری را با وزن مخصوص اجتماعی طبقه کارگر ایران حتی با هم مقایسه نمود که بر اساس این مقایسه حکم "همگون" را پذیرفت؟ نگارندگان برنامه سخت عصبه بسته اند که بهیچ وجه به این تفاوت های عظیم توجه نمایند.

۵ - بررسی نتایج چهار سال بازگشت به عقب: حال اگر هیچ تفاوتی بین ایران و سایر کشورهای جهان وجود نداشت و نتایج "فرجام تاریخی" در ایران و سایر کشورهای سرمایه داری حتی یکی هم بود، آیا نگارندگان برنامه به این واقعیت توجه دارند که حاکمیت رژیم ملایان چه تاثیراتی در زمینه تولید آرایش طبقاتی و مناسبات آنها بایکدیگر وجود آورد، دستا حتمی اگر برای یک لحظه هم چشم به روی واقعیتی که شرح آن رفت ببندیم و نگارندگان برنامه ران در زمینه یکسان داشتن میدان حرکت، روال حرکت، محیط تاریخی حرکت، و نتایج آرایش بریم، باز آیا حق داریم از کنار واقعیت کنونی جامعه مان بگذریم و بار دیگر کردن یک سسری

بقیه در صفحه ۵

## به شورا بیوندیم!

سخنرانی نمایندگان شورای ملی مقاومت  
در نشست هائی که به دعوت شورای  
شهرهای آلمان و برلن غربی برگزار شد.

رفقا، دوستان

برادران، خواهران

آقایان، خانمهای محترم سلام

نخست اجازه بفرمائید قبل از ورود به بحث، از طرف شورای ملی مقاومت از حضورتان در این جلسه صمیمانه سپاسگذاری نمایم. حضور ما در این جلسه نمایندگی از جانب شورای ملی مقاومت در حقیقت مقصد سناناساندن هرچه بیشتر مانی تشکیل شورای ملی مقاومت و اهداف بلاواسطه آن میباشد. نمایان ذکر است که در این جلسه ما، مقصد سخنرانی بمفهوم متداول گنمه را نداریم، یعنی اینظور نیست که ما سخن برانیم و شما گوش باشید، بلکه بیشتتر ما لیلیها طرح خطوط کلی روند سیدایش شورای ملی مقاومت که مفهم از ضرورت تاریخی تشکیل یک جبهه وسیع از نیروهای انقلابی، ملی، دمکرات و ضد امبرالیست برای سرگونی رژیم خمینی و کسب آزادی و استقلال میهن است، باشما به گفت و شنود به بردازیم، یعنی با هم بحث کنیم و از این طریق بتوانیم مشترکا به سبب بردار آزادی و استقلال کشورمان یاری برسانیم.

## روند تاریخی سیدایش شورای ملی مقاومت

واقعیات این است که از عمر تشکیل شورای ملی مقاومت رسما در حدود بیس از یکسال نمیگذرد اما حقیقت اینست که شورای ملی مقاومت همسره منطقی یک دوران تحریر طولانی مبارزات مسردم ما و بازتاب یک ضرورت تاریخی میهن ماست گسه مردم ستمدیده جامعه ما در جریان بین از هفتاد سال گذشته طی سه جنبش بزرگ تاریخی علیرغم دلاوریها و جانفشانیهای بسیار در اثر عدم تحقق آن یعنی ضرورت تاریخی اتحاد نیروهای مردمی به اهداف واقعی خود استقلال و آزادی نائل نیامد.

اگر در انقلاب مشروطه جبهه آزادی خواهان و استقلال طلبان ایران علیرغم برداشتهای متفاوت عقیدتی - ایدئولوژیکی - براساس یک برنامه مترقی استقلال طلبانه و آزادی خواهانه شکل میگرفت و از این طریق نیروهای ارتحای منسزوی میشدند، هرگز استیداد این غلام خاسه را دستعمار نمیتوانست بعد از مدت کوتاهی بازگویی دیکر احیا شود، و همین ما امروز در نقطه دیگری از تاریخ ترقی و پیشرفت اجتماعی قرار داشت.

اگر در جنبش بزرگ دمکراتیک - ضد امبرالیستی دوران حکومت ملی دکتر محمد مصدق نیز نیروهای دمکرات، ملی، جبه و انقلابی ایران با درس آموزی از گذشته تاریخ ایران و شناخت واقعی سامانه اقتصادی - اجتماعی به ضرورت اتحاد نیروهای

استقلال طلب و آزادی خواه پاسخ مثبت داده بودند، جامعه ما امروز از بیچ و خمهای بسیاری گذشته بود و بر سر حاده استقلال و رهائی قرار داشت.

در صورتیکه عمل و یا حتی بلافاصله پس از میام سکه همد سه ماه که منحصه سقوط نظام ستم ساهن شد، نیروهای انقلابی، ملی، دمکرات و ضد امبرالیست ایران با در نظر داشت تحارب و شکست حبس مشروطه و ملی شدن صنعت

نف صغوف خود را بر اساس یک برنامه مشترک اقتصادی - سیاسی مطابق با شرایط و واقعیات جامعه سامان میدادند، ارتحای هرگز نیایشه کردن احصار طلبی و سیاست تنها خواهی خود موفق به غصب رهبری جنبش و انحراف آن و قطع کردن یکا یک گردانهای انقلاب نمیشد و سر جنبش عظیم تاریخی میهمان آن نمیا مدکآمد و استیداد سید و امبرالیست دو باره بر سر نوست و حیات میهمان حاکم نمیشد.

آری: حاصل جمع این تحارب تلخ و ناگوار بار دیکر نشان داد تا زمانیکه نیروهای انقلابی، ملی، دمکرات، جبه به ضرورت تاریخی جامعه، یعنی ایجاد یک جبهه وسیع میهنی بر مانی یک برنامه پیشرفت اجتماعی و ترقی اقتصادی با حفظ استقلال و آزادی پاسخ مثبت ندادند جنبش مسردم ستمدیده ایران راه بجائی نخواهد برد.

فکر تشکیل جبهه متحد نیروهای مترقی بعد از قیام بیهم ماه جوانوز و از جانب برخی نیروهای انقلابی و دمکرات دنبال شد. تلاشهای عطفی در این زمینه سرانجام منجر به تشکیل جبهه دمکراتیک ملی ایران گردید.

با وجود استقبال بی نظیری که از جانب شهروندان ایران و بویژه تهران از این رویداد تاریخی بعمل آمد، اما بعلمت عدم وجود زمینه لازم ذهنی در میان بعضی سازمانهای انقلابی و دمکرات و بخشهایی از نیروهای اجتماعی که سرست سیروزی انی بروریم ستغشاهی شده بودند، آن نتیجه غائی و تاریخی نصیب جبهه دمکراتیک ملی ایران نشد! چرا؟ شاید در آن زمان هنوز اسرهای سیاه آسمان میهمان را آنچنان فرا نگرفته بود تا برخی از شخصتهای ملی و بویژه نیروهای حب و انقلابی از ایند ارواهی تنها خواهی سیاسی در جامعه مشخص ایرانی دست بردارند و قبل از وقوع حادثه و بروز ابعاد فاحسه بفکر چاره بیافتند. آنانکه تحارب گذشته و جنبش بزرگ تاریخی ایران را بسپچ انگاشته و آزادی و دمکراسی را امری فرعی و یگانه از آلمانهای طبقاتی خود ندانسته، ناخواسته به استقرار محدود استیداد و بر باد رفتن استقلال ایران همت گماشتند. اما آثار که از گذشته تا حدودی آموخته بودند در راه تحقق ایده - وحدت صغوف نیروهای مردمی - و تشکیل جبهه آزادی و استقلال گام برداشتند.

بد نیال گوششهای جداگانه در این زمینه که در بالا بدان اشاره رفت، نخستین گام مشخص و عملی را سازمان مجاهدین خلق ایران در آستانه انتخابات ریاست جمهوری با ارائه یک برنامه حداقلی و کاندیداتوری آقای مسعود رجوی برای شرکت در کارزار انتخابات ریاست جمهوری برداشت. سازمان مجاهدین خلق، با تشکیل شورای هماهنگی انتخابات ریاست جمهوری از همه نیروها و شخصیت

های، انقلابی، ملی، دمکرات و وحدت دعوت نمود. متحدان برای سبب سرنامه مطروحه در کارزار انتخاباتی شرکت کنند. این حرکت که در واقع سببه سکستن یک طلسم تاریخی بود، با اعمال استقبال بزرگی در جامعه روبروشد، نیروهای وسیع را در بر گرفت، احزاب، سازمانها، جمعها و شخصتهای اجتماعی بسیاری را بگرد نامند. ۱۲ مادهای متشکل نمود. سازمانهای خلق کرد حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان اسط سوسی زحمتگهان ایران (کوهله)، شیخ عزالدین حسینی شخصت برجسته مذهبی سیاسی خلق کرد سازمان کردهای میهم مرکز، شورای هماهنگی حدهای ایران، جبهه دمکراتیک ملی ایران، سازمان جریکهای فدائی خلق ایران، سازمان اتحاد جبهه گروه آزادی کار، جامعه سوسیالیستهای ایران، جمعیت اقامه، ودها سازمان و جمعیت دمکراتیک حب، مذهبی و صدها شخصیت مترقی ایران را برآمد انتخاباتی شورای هماهنگی انتخابات ریاست جمهوری آقای مسعود رجوی حمایت کردند. این

بقیه در صفحه ۱

## پیرامون "برنامه حزب کمونیست"

"اصولی" که نادرستی شان بره بکس پوشیده نیست، احکام غیر واقعی صادر نمائیم. آیا این واقعه ایگه رژیم ملایان با به بن بست رساندن تولید اجتماعی اقتضای عطفی از مولدین جامعه ما را از پروسه تولید به خارج برتاب نموده، قدرت تولید را از کشور سلب نموده است، چشم نگارندگان برنامه را باز نمیکند؟ بقول معروف اول "برادری اثر اثبات کن بعد ادعای اثر بنما". اصلا شما بگوئید تولیدی هست تا بر اساس مناسبات تولیدی آن بتوان جایگاه طبقاتی را تعیین نمود و بر اساس آن محور مبارزه را استوار کرد؟ بهرحال خواننده مشاهده میکند که نگارندگان برنامه بالا قیدی و بی خیالی غیر قابل توصیفی که وجه مشخصه بسیاری از جریانات درونی جنبش مارکسیستی کشور ماست، مسائل را ساده انگاشته و با همین سادگی هم قدر بسپچ و تنگ طبقه کارگر را بدور برنامه های خیالی برانه خود دارند!! ما در همین بررسی بسیار جامعی مشاهده میکنم که حتی با فرض قبول نتیجه آن "فرجام" تاریخی تحول شیوه تولید ماقبل سرمایه داری در کشور ما، این تحول هم از نظر مبداء، هم از نظر روال، هم از نظر بعد تاریخی تحقق و بالاخره هم از نظر نتایج آن، نمی تواند با تحول شیوه تولید قعودالی به سرمایه داری در دیگر کشورهای سرمایه داری "یکسان بوده و نتیجتا نمی تواند" بدین سان در ایران نیز همچون دیگر کشورهای سرمایه داری مبارزه استعمار شوندگان علیه استعمار کنندگان بر محور مبارزه پرولتاریا و بورژوازی "شکل بگیرد". و بر فرض هم که از تمام تفاوتها بگذریم، مقداری تعمق - آری فقط مقداری تعمق در زمینه نتایج تخریبی حاکمیت ملایان در چهار سال اخیر و بعقب کشاندن تاریخی جامعه و انحلال نیروهای مولده میهن مان، ما ربه جمع بندی دیگری میسراند که با نتایج برنامه مورد بحث تفاوتهای اصولی دارد. در شماره آینده در این مورد بیشتر توضیح خواهیم داد. ادامه دارد

زاینده رودی

## به شورا بپیوندیم!

حرکت از یکسو ارتجاع حاکم راست تکان داد و از سوی دیگر جنبش بزرگی را در راه اتحاد نیروهای انقلابی و دمکرات جامعه موجب شد. بطوریکه قبل از فرارسیدن روز انتخابات ریاست جمهوری، خمینی، شخصا "ناگزیر برای نجات قایق شکسته و گسل نشستهی ارتجاع مداخله کرد و ضمن سخنرانی تلویزیونی با ادای این جمله " آنها که به قانون اساسی رای ندهاند حق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری را ندارند"، عملاً آقای مسعود رجوی را از لیست نامزدهای انتخاباتی ریاست جمهوری حذف کرد. پس از این رخداد سازمان مجاهدین خلق ایران و سایر سازمانها و نیروهای انقلابی و مترقی از تلاش در راه ایجاد وحدت بین نیروهای مترقی و انقلابی باز نایستادند. بعد از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری میان سازمان مجاهدین خلق و حزب دمکرات کردستان ایران و جبهه دمکراتیک ملی ایران و سایر سازمانها و احزاب و نیروهای مترقی مذاکرات متعددی در زمینه ائتلاف و اتحاد نیروها در یک جبهه و یا شورا انجام گرفت. و بالاخره بارشدا اختلافات درونی رژیم خمینی و ایستادگی آقای بنی صدر در برابر صف نیروهای ارتجاع حاکم شرایط نوینی از سوی دیگر برای ادامه تلاشهای سازمان مجاهدین خلقی در راه ایجاد یک ائتلاف پدیدار شد. نزدیکی سازمان مجاهدین خلق با آقای بنی صدر در جریان مقابله با نیروهای ارتجاع حاکم و افشاء شکنجه و غارت و اختناق شرایطی را فراهم ساخت که منجر به انتشار میثاق آقای بنی صدر با سازمان مجاهدین خلق ایران گردید.

در تاریخ ۵ مهرماه ۳۶ تشکیل شورای ملی مقاومت با ارائه برنامه‌ای از جانب آقای مسعود رجوی رسماً اعلام گردید. بموازات این رخداد تاریخی احزاب، سازمانها و شخصیت‌های ملی، انقلابی، چپ و دمکرات ضمن حفظ نظرات و انتقادات خود به نحوه تشکیل شورای ملی مقاومت و برنامه مطروحه، با امید رفع کاستیها در پیرویه رشد این اتحادیه شورای ملی مقاومت پیوستند. تشکیل شورای ملی مقاومت بر اساس یک برنامه مردمی، دمکراتیک، ضد امپریالیستی با سرگت احزاب، سازمانها، جمعیتها و شخصیت‌های مترقی ایران در حقیقت تحقق یک آرزوی دیرینه ملی و پاسخ به یک ضرورت تاریخی میهن ماست. از این پس جنبش دمکراتیک - ضد امپریالیستی ایران دارای آنچنان سازمانی است که در آن نیروهای انقلابی، ملی، اسلامی، دمکرات، جهماستقلال طلب و آزاد نهاد رسماً در کنار هم در اداره آینده جامعه، در تنها خواهی عقیدتی (ایدئولوژی واحد) احترام به تمامی حقوق دمکراتیک انسانها در راه سرنگونی رژیم قرون وسطائی خمینی و قطع نفوذ استعمار و استبداد برای ساختن ایرانی آزاد، آباد، مستقل و پیروزی نهائی مردم زحمتکش ایران و حاکمیت مردم به نبرد تاریخ ساز خود ادامه میدهند.

در این جایی مناسب نمیدانیم که به مسأله مذهب، دولت و تقس و رابطه نیروهای مذهبی و غیر مذهبی در یک ائتلاف تاریخی اشاره کنیم:

"بنظر ما، اعتقاد و مذهب را نباید بمثابه یک طرز فکر و جهان بینی انتقاد و طرد کرد بلکه آنچیزی را ما طرد میکنیم که از توضیح جهان بودن خارج شده و عنوان قانون اجازه حکومت و تعیین و تکلیف بشریت را بخود میدهد. آنچیزی را طرد میکنیم که هم مدعی قانونگزاری هم داور و هم اجرایی حکم مییابد. آنچیزی محکوم است که انسانها نتوانند نتیجه تجربیات فردی و جمعی خود را در آن دخول داده و کاملش کنند. نقطه حرکت انتقادات ما فلسفی بمعنای خاص آن نبود بلکه اجتماعی بمعنای آن است. بهر حال خارج کردن قدرت قانونگزاری و داور و از دست انسانها بهر پنهان و دلیل که باشد از نظر ما مردود است. چه این قدرت درست عده معدودی انسان قرار بگیرد و یا در حیطه قدرت مافوق انسان قرار داده بشود."

با توجه به توضیحات فوق مشاهده میکنیم که شورای ملی مقاومت با قبول اصل حق تعیین سرنوشت مردم یعنی ولایت مردم چه در برنامه و چه در تعیین وظایف مردم دولت موقت همه جا سخن از مجلس قانونگزاری ملی و تشکیل مجلس موسسان با شرکت نمایندگان مردم میکند و سرنوشت قانونگزاری و داور و اجرای آن را بدست توانای انسانهای روی زمین یعنی نمایندگان مردم می سپارد و در هیچ بندی دین را بجای دولت نمی نشاند. و این به روشنی نمایانگر وجود یک برنامه و دولت لایق است. در برنامه و مصوبات شورای ملی مقاومت مسئله دین از امر دولت تفکیک شده است. منتهی این امر هرگز بمعنای جدائی مذهب از سیاست نیست؛ نیروهای مذهبی حق دارند همانطور که نیروهای غیر مذهبی از عقیده (ایدئولوژی) خود برنامه و سیاست اجتماعی استخراج میکنند. آنان نیز برای تعیین سیاست اجتماعی خود از باور (مذهبی) مورد نظرشان نیرو بگیرند.

واقعیات اجتماعی راهرگز نمیتوان به بهانه باور مذهبی سازمان مجاهدین خلق ایران نادیده انگاشت و یا دلخواه از متحدین در یک ائتلاف خواست تا هگی یک برداشت عقیدتی را اتخاذ کنند. در اینجا مهم برنامه سیاسی - اقتصادی اجتماعی است که مورد توافق شرکت کنندگان در یک ائتلاف اجتماعی - سیاسی قرار میگردد و نه باور و ایدئولوژی این و یا آن سازمان و نیروی شرکت کننده در یک ائتلاف تاریخی.

هم میهنان!

در شرایط کنونی ایران دوره رشد در برابر جامعه قرار دارد. راه نخست راه وابستگی به امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم امریکا است که با زلفانگان نظام ستشاهسی به اشکال گوناگون مبلغ میانگراوند و لولواتکه بخشی از آنان در تنگنای موجود سیاسی ایران تظاهر به جمهوری خواهی کنند. راه رشد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم جهانی جز غارت منابع ملی و استعمار پیش ازین زحمتکش و برقراری مجدد استبداد و نفوذ آزادی و استقلال ایران حاصل دیگری ندارد. حال این راه در زیر پوشش نظام شاهنشاهی و یا ولایت فقهای و استبداد مذهبی طی شود، یا اینکه جمهوری چکه پوشان اسلام پناهی باشد که زیر عنوان "دمکراسی ارشادی" بخواهند منافع

غارتگران جهانی را تأمین کنند، نمونه‌های هر دو شکل را در دوسوی همسایگی میهنمان شاهدش هستیم. نتیجه عملی این راه حلهای بظاهرتفاوت چیز دیگری نیست جز همین نمونه جن و حاضر قرون وسطائی رژیم خمینی که در حال حاضر بر حیات جامعه ما چنگ انداخته است.

مردم ایران یکبار با قیام شکوهمند میهن ما بصرای همیشه بر روی این راه و رسم استبدادی و استعمار خط بطلان کشید هاند و هرگز تن به چنین راه حلهی نخواهند داد.

راه رشد و رهایی مردم بلاد دیده میهن ما راه آزادی و استقلال است که شورای ملی مقاومت بر اساس شناخت مشخص از شرایط اجتماعی و سامانه اقتصادی و وجه مشخص تولیدی و وجوه ملی - فرهنگی ایران خطوط کلی آنرا در برنامه و مصوبات خود ترسیم نموده، و با گرد آوردن سازمانها و نیروهای انقلابی، ملی، مذهبی، چپ، دمکرات پیروز آن تضمین لازم را بدست داده است.

راهی که شورای ملی مقاومت در پیش گرفته در واقع ادامه و تکامل تجارب سه جنبش بزرگ تاریخ میهن ماست که با سخگویی منافع زحمتکش و حافظ استقلال، آزادی و تمامیت ارضی ایران است. از این روست که ما معتقدیم در شرایط کنونی شورای ملی مقاومت تنها آلترناتیو مردمی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی ایران است و راه حل پیشنهادی شورای ملی مقاومت، راهی است بسوی پیشرفت، تعالی، بهروزی، نیک بختی، آزادی و سرانجام در نهایت تاریخی خود رهایی جامعه ایرانی از قید وابستگی، استعمار و استبداد دیرپای، در این راه مردم ما، سالیان دراز تلاشهای خستگی ناپذیر و جانفشانی‌های بی نظیر نمود هاند، و کمتر ملت‌ای است که در تاریخ هفتاد ساله خود سه بار برای آزادی و استقلال قیام کرده باشد. ضامن پیروزی این راه آگاهی و سنتهای مبارزاتی مردم ماست. این راه رفتنی است و از این راه هیولای موجود ارتجاع مذهبی درهم کوفتنی است و آزادی ستاندنی است. از این رو ما از تمامی نیروهای انقلابی، دمکرات و میهن پرست که خواهان آزادی و استقلال کشورند، دعوت میکنیم تا با پیوستن خود به شورای ملی مقاومت و گسترش بین ازیس این ائتلاف تاریخی به فرایند سرنگونی رژیم آدمخوار خمینی سرعت بخشند و با ممانعت از نابودی فرهنگ و خرابیها و خسارتهای جبران ناپذیر ناشی از رژیم قرون وسطائی خمینی به نجات میهن خود همت گمارند و حاکمیت و ولایت مردم را تحقق بخشند. چنین

سرگ بر ارتجاع و امپریالیسم زنده باد آزادی

## در سهای لهستان

و دخالت در موارد اختلاف بین کارگران و کارفرما. سازماندهی و اجرای اقدامات اعتراضی کارگران هر کارخانه، زمانی که منافع آنان واقعاً مورد تعرض واقع شود، در موارد لازم و مستدل انجام اعتصابات.

سازماندهی اقدامات کمکی توسط خود اعضای اتحادیه.

ادامه دارد

## درباره سندیکا

از طریق سندیکا امکان پذیر است. سندیکا گام اول در جهت آماده شدن کارگران برای بدست گرفتن اداره و کنترل تمام اموری است که به تولید و توزیع مربوط می شود. انگیزه اساسی و تاریخی تشکّل کارگران در سندیکا، بهبود بخشیدن به تناسب قوا میان نیروی خود و نیروی مقابل خویش یعنی سرمایه است. سرمایه بنا بر قانون نمودن پهای حرکت خود، همیشه متمرکز، بهیچ‌سسته و همه‌جانبه عمل میکند و بالا ترین بهره گیری را از رقابت معیشتی بین کارگران میکند. علت وجود رقابت بین کارگران بیماری دافع سرمایه داری یعنی وجود بیکاری است. ریشه بیکاری نیز کاهش نرخ سود سرمایه است که باعث میشود تا سرمایه داران برای حفظ میزان سود خویش جای استخدام نیروی کار بیشتر اقدام به افزایش درجه استثمار در نتیجه کاهش دادن تعداد کارگران شاغل نمایند.

بنابراین طبیعی است که اولین هدف تشکّل کارگران، کنترل و نهایتاً از میان برداشتن رقابت درونی میان خود کارگران باشد، چرا که از طریق کاهش رقابت در بازار کار، تناسب قوی نابرابر بین اردوی کار و اردوی سرمایه به نفع کارگران بهبود می یابد. روشن است برای پیشبرد چنین مبارزاتی باید بیشترین تعداد کارگران بسیج گردند بنابراین صرف نظر از عقاید مختلف اجتماعی، سیاسی و مذهبی، سندیکا باید بیشترین تعداد کارگران را به مبارزات اقتصادی بگشاند. در غیر این صورت وحدت تشکّل ناقص و یا جزئی، نمیتواند آنطور که باید و شاید موثر واقع شود، چرا که قادر به اعمال فشار کامل بر کارفرمایان (ویا دولت) نیست. افزایش تعداد کارگران در سندیکا نیروی مبارزاتی آنرا بهمان نسبت افزایش نمی دهد، بلکه توان هر دوا نرا چندین برابر میکند. از این رو اساسنامه پیرامون سندیکا باید به نحوی تنظیم گردد که کارگران صرف نظر از افکار و عقاید مختلف، سندیکار را ابزار و وسیله‌ای در راه بهبود شرایط زندگی خود دانسته، با جان و دل در آن شرکت کنند.

سندیکا، بیانگر هویت مشخص طبقه کارگر؛ از آنجاکه سندیکا اولین تجمع آگاهانه کارگران است و کارگران در ایجاد، تثبیت و پیشبرد فعالیتهای آن خود نقش مستقیم دارند، بیانگر هویت مشخص طبقه کارگر در هر مقطع از زمان است. کارگران که در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با مشکلات گوناگونی روبرو هستند تنها از طریق تشکّل امکان مقابله با اینگونه مشکلات را می یابند. چگونگی درک این مشکلات و راهیابی برای حل آنان توسط خود کارگران، اساس و پایه دستیابی کارگران به هویت مشخص طبقه ایشان است. کارگران در حین درگیری و دست و پنجه نرم کردن با مشکلات گوناگون زندگی تولیدی و اجتماعی خویش، به راه حلهای مناسبی دست یافته و سپس برای تحقق این راه حلهای اقدام به تشکّل (تقویت وحدت) در میان خویش می نمایند.

بدین ترتیب، کارگران در عرصه جامعه، از طریق تشکّل در سازمانهای صنفی خویش بمنظور حل مشکلات ویژه خود، هویت مشخص طبقه خویش را عینیت میبخشند. چنین عاملی، اولین و اساسی

باید در نظر داشته که اساس ماهیت وجودی سندیکاهای کارگری، بر اصل مقاومت و مقابله با قانون مزدبایه ریزی می شود، اما سندیکای در محدوده این مبارزه باقی نمی ماند. مبارزه بلا انقطاع سندیکا برای حفظ موجودیت مسادری کارگران باید منجر به بهبود شرایط زیستی آنان گردد و در نتیجه چنین بهبودی، شرایط و زمینه برای رشد کیفی و آگاهی کارگران آماده شود. بدین ترتیب سندیکا، نمایندگی عملی کارگران در عرصه اجتماعی نیز هست.

در عرصه اقتصادی در حقیقت تمامی مشکلات گوناگون کارگران، ریشه در قانون مزد دارد. حدت و شدت کار روزانه، بهداشت و ایمنی محیط کار، مسائل رفاهی محیط کار، تقسیم بندی مزد (تحت عناوینی چون: رسمی، مزایا، سهمیه جنسی و غیره)، بیجیدگی و سادگی ماشین آلات و تجهیزات تولیدی و... همه و همه مسائلی است که از قانون مزد سرچشمه میگردند. اگر حدت و شدت کار روزانه افزایش یابد، بهمان نسبت محصول تولید شده و نیز نسبت مزد کارگران افزایش و کاهش یافته است. اگر بهداشت و ایمنی محیط کار رعایت گردد، در راندان و نتجتا اثر نسبت سود و مزد تاثیر میگذارد.

بنابراین سندیکا آن ابزار مبارزاتی کارگران است که تمام مشکلات و مسائل گوناگون را بخوبی می شناسد و راه حل مناسب جهت پاسخگویی به آنها را می یابد. راهحلی که منافع کارگران را حفظ نموده و برای افزایش مداوم نسبت مزد به سود و حداقل ثابت نگهداشتن این نسبت، تلاش می نماید. سندیکا برای انعقاد پیمان دسته جمعی کار با کارفرمایان، تلاش میکند تا از این طریق با تحکیم وحدت بین کارگران (کاهش رقابت بیسن آنان) نسبت مزد به سود را افزایش دهد.

سندیکا، در صورت افزایش نرخ تورم، از کارفرمایان (یا دولت) تقاضای افزایش مزد مینماید. افزایش مزد به نسبتی که قدرت خرید کارگران را ترمیم نماید. اگر کارفرمایان از این بیزش چنین افزایشی سر باز زنند سندیکا اقدامه فسخ پیمان دسته جمعی کار مینماید. ادامه مقاومت کارفرمایان در مقابل خواست سندیکا، منجر به اعتصاب کارگران میگردد. اعتصابی که از سوی سندیکا فراتر خوانده شده است. سندیکا تمامی خواستههای اقتصادی و رفاهی کارگران را یکباره مورد توجه قرار داده و مناسبات اولویت برای دستیابی به آنها، مبارزاتی متشکل را سازمان داده به پیش میرود. برای دستیابی به هر یک از خواستههای کارگران، سندیکا را محل و شیوه مبارزه مناسب را یافته و با هر پیروزی و شکست، کارگران را یک گام در جهت شناخت منافع خویش ارتقا داده و به سمت تحکیم وحدت بین کارگران گامی به پیش برداشته است.

سندیکا، سازمان مستقل طبقه کارگر؛ تسخیر هرگونه تشکّل و یا سازمان طبقه کارگر از سوی طبقه سرمایه داران بمنظور پایداری ساختن نظام سرمایه، هدف قطعی سرمایه داریست. چنین هدفی و کوشش طبقه سرمایه داران جهت دستیابی به آن بصورت قاعده‌ای در جامعه سرمایه داری عمل میکند. هرگونه تلاش از سوی طبقه در صفحه ۸

ترین زمینه جهت رشد آگاهی طبقاتی کارگران می باشد. با ایجاد و شکل گیری سندیکاهای کارگران کم کم به مفاهیم مشخص طبقه خود، حد و مرزهای آن با سایر طبقات و نیز تعهدات خویش در قبال کل جامعه، مشکلات اصلی و فرعی پیش روی طبقه خویش و راهحلهای مقطعی و نهائی بسرای پاسخگویی به این مسائل، پی می برند. در طول مبارزه برای ایجاد سندیکا و در طی مبارزات سندیکائی پس از تشکّل سندیکا، کارگران کم کم به تقسیم بندی جامعه و نهایتاً تضاد طبقاتی پی برده و به مرور زمان دیگر کارگر بودن را نه در مفهوم شفلی آن بلکه در مفهوم طبقاتی اش درک می نمایند.

بنابراین اهمیت تشکّل کارگران در سندیکاهای کارگری قبل از آنکه مربوط به استحکام سنگر آنان در مبارزه اقتصادی باشد، وابسته به عینیت یافتن هویت طبقاتی طبقه کارگر است. بهمین دلیل، سندیکان نخستین گام در راه وحدت طبقه کارگر است.

سندیکا، ابزار مبارزاتی کارگران؛ طبقه کارگر زائیده نظام سرمایه داریست و اساس این نظام نیز بر پایه قانون مزد استوار می باشد. طبق این قانون اقتصادی، طبقه کارگر بجای آنکه در ازای کار خود، تمام محصول کارش را دریافت کند، مجبور است به دریافت بخشی از محصول کار خودش، که مزد نامیده میشود، رضایت دهد. سرمایه تمام محصول را تصاحب کرده و از آن مزد کارگر را می پردازد، زیرا که وسائل تولید در تصاحب سرمایه است. رهائی واقعی برای طبقه کارگر وقتی صورت می پذیرد که این قانون درهم شکسته و طبقه کارگر صاحب تمام وسائل تولید و لاجرم از این طریق صاحب تمام محصولات کار خود باشد. در آن صورت طبقه کارگر علت اساسی وجود طبقات را از میان برداشته و خود را نیز بعنوان طبقه نفی می نماید. اما تا زمانی که سرمایه فرمانروای تاریخ است و تا زمانی که طبقه کارگر آمادگی کامل جهت براندازی نظام سرمایه و جانشین ساختن نظام نوین را بیابد، کارگران برای دفاع از منافع اقتصادی و اجتماعی روزمره خویش، نیاز به ابزار مبارزه دارند. از جمله چنین ابزاری سندیکا است. سندیکا نوعی سازمان کارگری است که نمایندگی عملی طبقه کارگر را در محل کار و اجتماع برعهده دارد. نمایندگی عملی طبقه کارگر در محل کار می باشد، چرا که در زندگی تولیدی و عرصه کار است که قانون مزد عمل میکند. در عرصه تولید است که کارگران با خویش را در کالبد محصولات جا می دهند و بخشی از آنرا (فقط بخشی) بعنوان مزد دریافت، مابقی را از تکف میدهند. بنابراین در این عرصه است که سندیکا باید منافع کارگران را نمایندگی کند. البته سندیکا قادر نیست قانون مزد را از میان بردارد. سندیکا قدرت متقابل کارگران در جهت بهبود بخشیدن به شرایط کار قرار دادی است. دفاع و مقابله روزمره سندیکا با تهاجمات و تجاوزات بی وقته سرمایه، نه تنها باعث جلوگیری از سقوط کارگران در حد بردگان صرف میشود، بلکه موجب زمینه سازی آگاهی آنان برای درک هرچه عمیقتر ماهیت قانون مزد، نظام سرمایه داری و جامعه طبقاتی میگردد.





درباره سندیکا

بیا نگره‌بیت مستقل طبقه کارگر در عرصه جامعه خواهند بود.

بدین ترتیب از هم اکنون کارگران آگاه و مبارزان سندیکائی باید درک یک بُعدی از مفهوم سندیکا را کنار بگذارند. چرا که همانگونه که گفتیم هدف مقطعی و نهائی مبارزات سندیکائی: کسب هویت مستقل طبقاتی، دفاع از منافع کارگران، ارتقاء آگاهی طبقاتی، آماده شدن طبقه کارگر جهت کنترل تمامی امور مربوط به تولید و توزیع می‌باشد. بصیامت دیگر مبارزات سندیکائی آماده شدن تدریجی طبقه کارگر جهت رهائی واقعی می‌باشد. بنابراین نقش آگاهی دهنده سندیکا، عمده‌ترین خصیصه‌ای است که باید مورد توجه قرار گیرد. آگاهی طبقه کارگر نمیتواند برآستی آگاهی طبقاتی باشد اگر تنها و یا بطور عمده به خود وی متوجه شود، زیرا خودشناسی طبقه کارگر به نحوی ناگسستنی فقط نهمه درک تئوریک، بلکه همچنین به درک عملی، مناسبات موجود مابین همه طبقات جامعه منوی، مربوط است؛ که خود از تجربه زندگی اجتماعی و سیاسی بدست می‌آید. آگاهی طبقه کارگر نمی‌تواند برآستی آگاهی طبقاتی باشد مگر آنکه کارگران بر اساس حقایق اجتماعی و سیاسی مشخص و موضعی بیاموزند که هر طبقه اجتماعی را در همه اشکال زندگی معنوی، اخلاقی و سیاسی انهمورد مشاهده قرار دهند و در برابر همه و هرگونه نمونه خودکامی، ستم، زور و سوءاستفاده صرف نظر از اینکه چه طبقه‌ای قربانی آن باشد، در عکس العمل نشان دهند. برای آنکه طبقه کارگر به چنین آگاهی راستین طبقاتی دست یابد، باید مراحل مختلف مبارزاتی را از سرگذرانده و به وحدت دستگسترده در سطح جامعه دست یابد. باید از مبارزات اقتصادی پراکنده به یکپارچگی و تشککال در عرصه مبارزه اقتصادی دست یافته و سپس به پیگیری مبارزات در عرصه جنبش اجتماعی خویش بپردازد.

بنابراین توضیحات، سندیکاداران ایران نه تنها سنگرمبارزات اقتصادی کارگران است بلکه باسخگوئی به مسائل اجتماعی و سیاسی براساس ذهنیت کارگران و منافع طبقه کارگر انیز برعهده دارد. این امر را فقط تجاریتاریخی مبارزات کارگری جهان و یادگاره علمی نسبت به مبارزات سندیکائی نیست که به اثبات میرساند، بلکه شرایط و واقعیات موجود جامعه ما آنرا به جنبش کارگری تحمیل میکند. شرایطی که هرگونه آزادبپای دموکراتیک سرکوب میگردد از جمله: آزادی تشکیل سندیکا و اتحادیه، حق اعتصاب، آزادی عقیده و بیان و قلم. شرایطی که هرگونه صدای حق طلبی از سوی کارگران و سایر اقشار و طبقات توحشیانه در هم کوبیده میشود و یکبارگی توده‌های طبقه کارگر و جامعه تحمیل گردیده است. واضح است در چنین شرایطی اصول مبارزیمی آزادی تشکیل سندیکا های مستقل کارگری، خودنهی سیاست و حاکمیت کنسومسی خواهد بود.

وظیفه دشوار کارگران آگاه و مبارزان سندیکائی در این است که نه تنها باید به مسئله ناهنگامی

مبارزات کارگری پاسخ گویند، بلکه باید در مقابل تمامی نارسائی‌ها و ضعفهای تاریخی طبقه خویش، قد علم کنند. کارگران آگاه باید از یکسویه سازماندهی سندیکاها دستزنند و از سوسی دیگر مبارزات سندیکائی را در نظیا و با مبارزات عمومی قرار دهند، بدون آنکه بار دیگر تحارب تلخ گذشته تکرار شوند. و این امر ممکن نیست مگر آنکه از هم اکنون کارگران آگاه با هدف بنیان گذاری واحدهای سندیکائی در هر کارگاه و کارخانه، مبارزه راه پیس رانند. در شرایط کنونی، تلاش در راه ایجاد واحدهای سندیکائی مستقل، اولین گام در راه وحدت طبقه کارگریان جهت کسب قدرت طبقاتی و آزادی مدنی می‌باشد.

د - گویا ۶ / ۱۱

تصحیح

با عرض معذرت از غلطها، متعدد شماره پیش (۱۵) از خولندهگان عزیز تمنا داریم لا اقل از جایافتاده‌های زیر تصحیح بفرمایند:  
صفحه ۶، آخر ستون ۱:  
نیود، راه بورژوازی فرصت کافی نداشت تا در یک صفحه ۶، آخر ستون ۲:  
از درون تحولات عمیق اجتماعی بیرون آمده‌اند صفحه ۱۱، آخر ستون ۱:  
حرکت آنرا تغذیه میکند. - ادامه صفحه ۱۱، آخر ستون ۲:  
را مانعی برای باز شدن شمالی از

بیانیه مشترک نایب نخست وزیر عراق و مسئول شورای ملی مقاومت ایران

و نه بر منای و حمایت نوع دیگر استوار است.  
۱- آقای رجوی نقطه نظرات مقاومت عادلانه مردم ایران را درباره حل و فصل صلح آمیخته احتیالات بین دو کشور را که میتواند از طریق مذاکرات مستقیم بین طرفین در چهارچوب حاکمیت و تعامیت ارضی هر دو کشور و با توجه به مراعات متقابل سیاست عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و روابط حسن همجواری قابل حصول باشد تشریح نمود، - حل و فصلی - که تنها در عهده آنترناتیو دمکراتیک شورای ملی مقاومت و دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی است که پس از سرنگونی رژیم خمینی بر ایران مستقر خواهد گردید.  
۲- آقای رجوی اعلام نمود که از ژوئن گذشته خمینی خواستار ادامه جنگ با عراق است، جنگی که بدنیال تخلیه اراضی ایران از قوای عراقی و اعلام آمادگی این دولت برای عقب نشینی کامل نیروهای فاقده هر خصیصه ملی بوده و دقیقاً اثر خدمت استمرار سلطه سرکوب گرانه خمینی علیه تمام ملت ایران است. آقای رجوی تشریح نمود که این جنگ با سرنوست رژیم خمینی پیوند خورده و خمینی از آن برای سرپوش گذاشتن بر مقاومت گسترده داخلی برای مهار کردن بحرانهای عمیق اجتماعی و اقتصادی و برای ارضای جنبش توسعه طلبانه خود و بمنظور احیای یک امپراطوری قرون وسطائی تحت نام اسلام از طریق سیاست باصلاح صدور انقلاب استفاده میکند.  
۳- آقای رجوی همچنین خمینی را ذاتاً عامل انارشی جنگ و حمران در حساس ترین منطقه جهانی (خاورمیانه) دانست و اعلام نمود از آنجا که خمینی جز زبان قدرت زبانی نمی‌شناسد، ایده صلح با خمینی جز در شرایط درماندگی و ضعف مطلق او، واقع بینانه نیست، علیهذا از همه ملل سیاسی هر دو طرف برای آرمانهای مشروع مردمش

یکشنبه ۹ ژانویه ۱۹۸۳ آقای طارق عزیز نایب نخست وزیر عراق با آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران در محل اقامت او در اورسور اواز، دیدار و پیرامون مساله جنگ ایران و عراق و ضرورت پایان آن تبادل نظر نمودند.  
در پایان این ملاقات مواضع طرفین بشرح زیر برای ملتین ایران و عراق و تمام طرفداران صلح در منطقه و جهان اعلام گردید.  
آقای طارق عزیز موضع مبنی برعلاقه صادقانه برای برقراری صلح بین ایران و عراق براساس استقلال کامل و تعامیت ارضی، احترام به اراده آزاد مردم عراق و ایران، عدم دخالت در امور داخلی و ایجاد روابط مشترک بین مردم ایران و عراق براساس احترام متقابل و همکاری و وجانبه به نحوی کسه در خدمت منافع متقابل و آرزوهای آنها برآی آزادی و صلح و در خدمت صلح و ثبات در منطقه باشد، را برای آقای رجوی توضیح داد.  
آقای طارق عزیز همچنین مواضع و ابتکاراتی را که توسط عراق در این مورد انجام گرفته است، توضیح داده و در این رابطه خواست خود در جهت جذب اطمینان مردم ایران و نیروهای مبارز آن را که به صلح میان دو خلق معتقدند برای آقای رجوی تشریح نمود. آقای طارق عزیز دعوتی از جانب رهبری عراق به آقای رجوی برای دیدار از عراق به منظور ایجاد روابط برادرانه بین خلقهای همجوار براساس احترام متقابل و تعامیل صادقانه برای استقرار صلح تقدیم نمود.  
آقای طارق عزیز برای رفع هرگونه سوء تفاهمی که بوسیله گزارشات مطبوعات درباره ماهیت روابط بین دو طرف ایجاد شده، این حقیقت را مورد تاکید قرار داد که این روابط بر منای تفاهم متقابل سیاسی هر دو طرف برای آرمانهای مشروع مردمش

### درسهای لهستان ۳

مطالعه‌ی حسرت‌انگیزی سال ۸۰

اعضای ۱۰ کارگران لهستان مبنی بر مرحله حدیسی و تکلیفی از حسرت‌انگیزی و مطالباتی کارگری طی ۲۵ سال پس از آن بی‌مانده. مراحل بارز و مهم این دوران طولانی شامل حرمان سازمانی کارگران در سالهای ۵۶، ۷۰ و ۷۶ می‌شود. در مراحل که شکستها و تحارت‌متنوع و مهمی به همراه داشتند. نتایج و آموخته‌های این دوران بر فراز و نشیب باعث گردید که طبقه کارگر لهستان، با خستگی و بیگیری در عین آرایش و نمزش، خواسته‌های طبقاتی و مطالبات اجتماعی-عمومی را تلفیق نماید و برای تحقق آنها تا سرحد اعتصاب‌عامی در سراسر کشور نیز پیش‌رود.

نگاهی به غیربست‌مهمترین مطالبات آنها نشان میدهد که سه کارگران آگاه و سازز لهستان در عین طرح خواسته‌های طبقاتی خویش به نیازهای عمومی جامعه، موقعیت اقتصادی و سیاسی اجتماعی کشور نیز توجه دقیق داشته، از آنجا هر گم‌رهش سکتاریستی که می‌توانست موجب سوء استفاده دولتداران حاکم و متحدین "اردوگاهی" آنها برای بحالت، سرکوت نظامی گردد، پرهیز نموده‌اند. احساس مسئولیت آنها نسبت به کلیت جامعه و دفاع جانانه از دیکراسی، خواهسته‌های اقتصادی-رفاهی و اجتماعی عموم مردم باعث گردید که کارگران اعتصابی از حمایت میلیونها نفر از توده‌های غیر کارگر نیز برخوردار شوند. مدنیسان طبقه کارگر لهستان موفق شد در سال ۸۰ نه تنها مهمترین مطالبات طبقاتی خویش را به کرسی نشاند، بلکه در راه تقویت و توسعه جامعه مدنی لهستان، به عقب‌راندن دستگاههای توتالیتر دولتی-حزبی-قلمهای عظیم و سبار شمر بخشی برآورد، متن زیر ترجمه سند کدانسک (دانشک) و حاوی مطالبات ۲۱ ماده‌ای کارگران کدانسک و صد ها واحد دیگر است.

این سند از جانب "گمته برارکارخانه ای اعتصاب" کدانسک به شاه اساسی مذاکره با هیات نمایندگی دولت لهستان درآوردند.

۲۱ ماده مطالبات اساسی کارگران اعتصابی کدانسک حدود ۴۰ واحد صنعتی پیوسته به آن، عبارتند از:

- ۱- موافقت حزب و کارفرما (دولت) با تشکیل اتحادیه‌های آزاد و مستقل، همانطوریکه از سازمان سس‌المللی کار راجع به آزادی تشکیل اتحادیه برمی آید. از حامیان حمصه‌ی توده‌ای لهستان نیز اجضا شده است.
- ۲- تضمین حق اعتصاب، استاعتضادگان و کسانی که آنها را حمایت می‌کنند.

۳- طاب آزادی انتشار، و عیده، که در تانن اساسی جمهوری توده‌ای لهستان تضمین شده است و نباید در عدم آزار و فشار علیه اخبار، مستقل، دسترسی به رسانه‌های عمومی برای مساندگان گمته جمعیت‌های عقیده‌نی و ایجابی.

۴- الف- اعاده حقیق ملی انتحاصیکه پس از اعتصابات ۱۹۷۰، ۱۹۷۶، ارتقا احاد نشده، دانشجهایی که سه خاطر عیده نمایان از دانشتاه سوهن رانده شده‌اند.

ب- آزادی گمته زندانیان سیاسی، از جمله: ادمند-تساد، روسسکی، مان کوزلوسکی و مارک کوزلوسکی، و حمصه هر گمته آزار و فشار علیه اظهار نظریات شخصی.

د- انتشار اطلاعات، احصا در باره تاسس گمته‌های فراکارخانه ای اعتصاب در رسانه‌های عمومی و درج و نشر مطالبات آنها.

۱- در دانشتاه‌های واقعی با این عده که کشور، از حالت بحران آ- خارج گردد. الف- ب:

الف- اعلام علنی اطلاعات در باره موقعیت اقتصادی اجتماعی- مشارکت گمته محافظ، اختار اجتماعی در جنبهای برسط به برنامه اصلاحات.

۷- امانه برداحت مزد در طول اعتصاب به تمام کارگران که در اعتصابات شرکت می‌کنند، و برداحت حقوق در طول مرحصی از محل صندوق مرکزی شهرای سدنگا.

۸- ارتقا سطح دستمزد کارگران به سطح ۲۰۰۰ تسله نسبی ماهانه، به مظهر اجاد تعادل با صعهه قسمتها تا گمته.

۹- تضمین ارتقا دستمزد به طوری که هر چه در ارتباط متناسب با صعود قیمتها و تقلیل ارزش پول.

۱۰- تعیین کامل نیازهای بازار داخلی در مورد ارزاق و تنظیم صادرات تنها از بازار ارزاق داخلی.

۱۱- لغو قیمت‌های تحاری و حاتمه دادن به فروش در مقابل ارز در حیطه به اصطلاح صادرات داخلی.

۱۲- مهور کردن گمته‌های ارزاق برای دریافت گمته، مشتقات گمته نشی تا هنگامیکه "محصص بازاری عادی" شود.

۱۳- مهور کردن اصل اساسی در مورد استخدام مدیریت متنی بر اصل تخصص و قابلیت و نه بر پایه تعلق حزبیسی، از مین مردن امتیازات ملیشیا، سازمان اسیت و دستگاه حزبی از طریق: متضابه کردن اضافه درآمدهای فامیلی و از مین مردن مفازه‌های مخصوص.

۱۴- تطیل سن تقاعد برای زنان به نجاه سال و مردان به ۵۵ سال، و محسن تست طول عمر کار لازم در حمصه‌ی توده‌ای لهستان در حد ۳۰ سال برای ریان و ۳۵ سال برای مردان، و مدهن در نظر گرفتن سر.

۱۵- انطباق حق تقاعد های قدسی متنی در حق تقاعدی که در حال حاضر برداحت می‌شود.

۱۶- مهور شرایط کار خدمات درمانی و تواسحشی، تاسن کامل خدمات پزشکی برای تبعاعین.

۱۷- تاسن تعداد های گامی در مهور کودکیا، کودکتانها برای اطفال زنا شاغل.

۱۸- ترتیب مرحصی با حقوق برای مادران، در طول سه سال اول، به مظهر تاسن شرایط تربیت نوزادان.

۱۹- تقلیل دوره انتظار برای تقاضان سکن.

۲۰- اخذ ارزش پول سنگاری از ۴۰ تسلمتی به ۱۰۰ تسلمتی و تضمین مبلغی برای اعتضاد کار.

۲۱- گمته کشیه ها باید تعطیل مانند، برای کارگرانی که در ستم یکشنبه کاری کنند، باید تعطیل مخص سینتر و سایر روزهای آزاد دیگر گمته تعطیلی حبران شود.

حسرت‌انگیزی لهستان در سال ۸۰ موفق شد، با يك اعتصاب گسترده، مگمه، با برعه‌راری از حامیان سلطنتی-مردم و همستکی عمیق و حد متکارانه روشنفکران سسالیست، ترقی حواء، طی يك دوره مذاکرات طه‌لانی، و سچیده، انجام این مطالبات را.

دولت "حزب طایفه کارگر" تحمیل کند. کارگدان اعتصابی نواسند بعد از آن نیز با تصمص اساسی اتحادیه، اصول و اهداف، سسک کار سازمان طبقاتی سراسری حده را مستحکم بر ریزی نمایند. بخاطر اهمیت که این اساسنامه برای حسرت‌جهاسی ارتگری دارد، متن کامل آن را درج می‌نماید.

سند یکای مستقل و خود گردان "همستکی" اساسنامه فصل اول: نام- محدودده فعالیت محل [ارگان مرکزی] ماده ۱- تحت نام سند یکای مستقل و خود گردان "همستکی"، اتحادیه‌ای تا "سپس خواهد شد که از این پس [در متن] "اتحادیه" نامیده می‌شود.

این اتحادیه فعالیت خود بر اساس میانسی قانون اساسی جمهوری خلق لهستان، بیمه‌ها، شماره ۷ و ۸ و ۹ سازمان بین‌المللی کار که توسط جمهوری خلق لهستان امضا شده‌اند و ماده یک موافقتنامه بین گمته اعتصاب فراکارخانهای و کمیسیون دولت در "دانسک"، صحت حمایت از منافع کارگران و تحقق نیازهای مادی، اجتماعی و فرهنگی آنان استوار خواهد ساخت.

ماده ۲- محدودده فعالیت اتحادیه، سرزمین جمهوری خلق لهستان است.

ماده ۳- محل بالاترین ارگان اتحادیه، شهر دانسک است.

#### فصل دوم: مبانی عام

ماده ۴- اتحادیه، مستقل از مراجع اداری دولت و سازمانهای سیاسی خواهد بود.

ماده ۵- اتحادیه، کارکنانی را که بر اساس قرارداد های کار استخدام شده، انتخاب شده، و فرخوانده و یا منصوب شده‌اند، متشکل می‌سازد (همچنین کسانی که بر اساس قرارداد های کار در تعاونیه‌ها و یا عضویت در تعاونیه‌های کشاورزی فعالیت میکنند). و علاوه دانش آموزان مدارس حرفه‌ای، کارآموزان و کسانی که فعالیت‌های انتشاراتی انجام میدهند، و علاوه اشخاصی که بر اساس قرارداد هائی به فعالیت‌های جانسی اشتغال دارند، [توسط اتحادیه] متشکل خواهند شد. از دست دادن شغل بمعنای لغو عضویت در اتحادیه نیست، بازنشستگان و از کار افتادگان نیز میتوانند به عضویت اتحادیه پذیرفته شوند.

ماده ۶- هدف اتحادیه عبارتست از: تضمین حقوق، حیثیت و منافع کارکنان، پیویژه:

- ۱- حفاظت از منافع مادی، اجتماعی و فرهنگی اعضا و خانواده‌هایشان.
- ۲- تضمین حقوق کارکنان در ارتباط با کاری که انجام میدهند، دستمزد و شرایط عام زندگی آنان و ایجابی و مهورات محیط کار آنان.
- ۳- انجام اقداماتی جهت ایجاد توازن بین فعالیت منظم کارخانه و منافع کارکنان آن.
- ۴- تقویت مبانی خانواده و حمایت از زندگی خانوادگی.
- ۵- گسترش دموکراسی و تقویت همبستگی در محیط کار با ایجاد روابط متقابل.
- ۶- تضمین شرایطی برای مهارت های شغلی شاغلین.
- ۷- شرکت در تنظیم سیاستهای اقتصادی واجتماعی.
- ۸- کمک به ایجاد موضعی فعال در مقابل سلامت مین.
- ۹- ماده ۷- اتحادیه اهداف خویش را از طریق زیر متحقق می‌سازد:

- ۱- نمایندگی اعضای خود در برابر کارفرما، مسئولین ارگانهای دولتی و سازمانها و نهادهای اجتماعی.
- ۲- انعقاد قرارداد های دسته جمعی کار و یا فسخ آنها.
- ۳- قراردادن کمک‌های حقوقی در اختیار کارکنان

## پیش نویس قانون کار

نویس محرمانه قانون کار را در شماره گذشته چاپ کرده بودیم ، تا برهان درجه دلسختگی رژیم قبهائی برای ستضعاف جهان آشکارترند . هنوز چند ماده آن مانده بود که در دست ما رسید و به این شماره مجهول شد . در این اثنا وزیر کار نیز ناماریانه قصد دفاع از موضع خود در نبرد با برادران رعیت ، این ماه سابق را از برده استار بیرون آورد ، من پیش نویس را در کیهان ۳۰ آذر به چاپ داد . صرف نظر از این امر ما در ادعیه شایسته و در اینجا بود باقیمانده پیش نویس را هم منتشر می کنیم ، تا در عر حال کار خود را بطور کاس انجام داده باشیم .

ماده ۱۰۳ - صاحبان کار نمی توانند اتباع بیگانه ای را که فاقد پروانه کار هستند به کار کنند و در صورت تخلف به تشخیص دادگاه کارحازات خواهند شد .  
ماده ۱۰۴ - استخدام کارشناسان خارجی صورت نیاز دولت پس از موافقت وزارت کار و امور اجتماعی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و سپس پروانه کار صادر شود .

فصل دوم هم مقررات مختلف  
ماده ۱۰۵ - وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است به منظور نظارت بر حسن اجرای مقررات این قانون در مناطق مختلف مبادرت به تأسیس ادارات کار و امور اجتماعی نماید .

ماده ۱۰۶ - به منظور تنظیم عرضه و تقاضای بازار کار ، وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است با توجه به توزیع جمعیت و فعالیت های اقتصادی کشور مبادرت به ایجاد شبکه مراکز کاربایی منطقه ای نماید .

ماده ۱۰۷ - ایجاد محل یا مراکز کاربایی خصوصی سوطه به اجازه وزارت کار و امور اجتماعی است ، تبصره : آئین نامه مربوط از طرف وزارت کار و امور اجتماعی پیشنهاد و من تصویب هیئت وزیران به مرحله اجرا در خواهد آمد .

ماده ۱۰۸ - تکلیف کارفرمایان و صاحبان کار که به موجب مقررات این قانون قرارداد های قلی آنها باطن می باشد باید حداکثر تا شش ماه پس از تصویب این قانون قرارداد کار صحیح حداقل به مدت سه سال معتقد و یا با تکلیف بیکر معالجه نمایند .

ماده ۱۰۹ - در صورت اجراج گاریه بر برادران اجرای مقررات این قانون و نیز در مواردی که اختلافات ناشی از اجراج های گذشته به پایان نرسیده به ادگاه کاربا به ضرورت می آیند یا نتیجه به نفع کارمیزان احرب و من و عاقله گاریه بر و همچنین سایر شرایط و اوضاع احوال حداکثر به از ۹۱ هر سال سابقه کار گذشته وی معادل پنجاه هزار ریال مزایای پایان کار تعیین نمایند .

ماده ۱۱۰ - وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان امور اداری و استخدامی کشور مکلفند حد اکثر ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون ، آئین نامه استخدامی گاریه بران وزارتخانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و ملی شده را تهیه و من از تصویب هیئت وزیران به موقع اجراء گردانند .

تبصره : وزارتخانه های دفاع و کشور مکلفند به ترتیب ظرف مدت فوق ویر اساس مقررات این قانون آئین نامه استخدامی و من نیروهای نظامی ، انتظامی را

فجر ( ۱۲ تا ۲۲ بهمن ) صورت گیرد . اما اکنون تعجیل بیشتری دیده می شود و گویا تاریخ آن جلو افتاده است ، اختلاف بین ۱۲ تا ۲۴ ماهه . هدف از این حمله ، تصرف استان العماره عراق است . شهرهای علی شرفی ، کُتُف ، علی عربی و عماره در این استان واقع می باشد ، مرکز استان شهر عماره است که رژیم خمینی قصد دارد پس از تصرف آن مجلس اعلاای انقلاب اسلامی عراق را در این شهر مستقر سازد و جمهوری اسلامی منطقه آزاد شده العماره را اعلام دارد . برای این حمله صد و بیست هزار نفر بسیجی و پاسدار به علاوه چهار لشکر ارتشی سازماندهی شده اند . در صورتیکه نیروهای خمینی در این یورش موفق شوند و این استان را تصرف نمایند از نظر حفظ آن موقعیت بسیار حیثی به دست خواهند آورد . مرز غربی این استان رودخانه دجله است و همچنین چندین هو و سردابند اضافه اینکه ارتفاعات مشرف بر این استان در اختیار روسم خمینی است . نیروهای خمینی از نظر پشتیبانی هتائی سیار ضعیف اند ، نیروی هوائی ما هواپیماهای جنگنده باقیمانده تنها می تواند به مدافند هوائی در مقابل یورش احتمالی حاکمده های عراق در حین حمله ، بپردازد . اما اربوش دادن هوائی به نیروهای زمینی عاقد است و این سالک باعث نگرانی سیار در بین نیروهای ارتش شده است . اگر این حمله صورت گیرد حه نیروهای خمینی بیرون شوند وجه شست بخورند ، کشتار وسیعی در بین سروهائی انسانی خمینی به وقوع خواهد پیوست .

فانن فوق مشتمل بر ۱۲ فصل و ۱۱۳ ماده و ۲۸ تبصره در جلسه روز . . . با حضور شورای محترم گهمان به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است .

## نظاره ها و گزاره ها از ایران

چهارم دیماه شماره های جدید مجلات " پیام انقلاب " و " سروش " انتشار یافت . جالب است که در حله پیام انقلاب ارگان ساه ، یک گفتم ( تاکید می کنیم حتی یک گفتم ) در باره اعلامیه هشت ماده ای خمینی درج نشده است ، این مجله سرفاله خود را اختصاص به بررسی نتایج انتخابات جبرگان داده است یا تیر " امامت و وحدت و بیروزی " . جالبترین نکته این مقاله این حمله است : " . . . اگر چنین برده می ، ما چنین اقبالی و یا چنین تیر و شوق و التهایی و " مجلس جبرگان " را انتخاب میکند ، حسرا که خود رهبر را نتواند ؟ و همد میدانند که میتواند ، و چنین نیز هست . عکس منتظری زینت بخش روی حله این شمسه حله است .

بالعکس نشریه سروش به تنها سرفاله را اختصاص به اعلامیه هشت ماده ای داده ، بلکه مقالات فضلئی نیز در اطراف این سالک نگاشته است . باید دانست علت این امر سالک تمگی نیست ، چرا که هر دو حله در چاپخانه افست به چاپ رسوند و هر دو در یک روز انتشار می یابند .

این هفته خمینی به بهانه های مختلف مرتا حاضر خود را در صحنه حفظ میکند . س از اعلامیه هشت ماده ای این اصرار خمینی برای تدایم حضورش در صحنه شانگرم عدم اعتماد اوبه جناحهای مختلف درون حاکمیت است ، او میدانند هر یک از صاحبها سعی خواهند کرد تا از هر گله او به نفع مواضع خویش تفسیر و استفاده کنند .

ویر چهارم دیماه ، خمینی پیام ویر برای رزمندگان جبهه ها ارسال میدارد که از طریق محسن رضائی به سمع رزمندگان در حبه ها می رسد . در این پیام او تلاش کرده است تا مجیز نظامیان و پاسداران و بسیجی هارا بگوید و به آنان روحیه دهد . انتشار همین پیام نیز نکته تأیید دیگری است بر قصد حمله ای بزرگ به خاک عراق .

حدود یکماه است که در حبه غرب نیروهای رژیم آماده یک حمله بزرگ میشوند . قرار بر این بوده که این حمله در دهه

بمانند مشترک تأیید نخست وزیر عراق و مسئول شورای ملی مقاومت ایران

و دول جهان بایگوت نفت خمینی را که تضمین کننده هزینه های سرسام آور جنگی اوست در حواست نمود .

آقای رجوی ضمن تأکید بر محکومیت هرگونه آزار غیر نظامیان و حملات رژیم خمینی به افسراد و آبادی ها و مردم شهرهای بی دفاع و شهرهای عراق از دولت عراق خواستار گردید که مصونیت وامیب سپه ها و دهکده ها و مردم بی دفاع ایران را مورد توجه قرار دهند . در اینجا آقای طیار عزیز درک عمیق خود نسبت به این مساله را به آقای رجوی توضیح داد .

آقای رجوی ضمن محکوم کردن آزار و اعدام اسرای جنگی عراق بوسیله رژیم خمینی که اسناد موق آ قبل " در سطح بین المللی توسط سازمان مجاهدین خلق ایران افشا شده ، توجه خاص به وضعیت اسرای جنگی ایران و عراق و پیوزده برسل ارتسی را بر حسب کتوانسیون ژنوا و محترم سمرده و خواهد شمرد .

آقای طیار عزیز پیشنهاد کرد که آقای رجوی میتواند نماینده مخصوصی برای دیدار زندانیان جنگی ایران به عراق اعزام دارد .

در باره دعوت رهبری عراق از آقای رجوی برای دیدار از آن کشور آقای رجوی ضمن اینکه انجام چنین دیداری را به طور اصولی بلا مانع دانست ، اظهار داشت که بزودی آن راحت مطالبه قرار خواهد داد .

امضاء

مسعود رجوی - طیار عزیز

۹ ژانویه ۱۹۸۳

## نظاره ها و گزاره ها از ايران

اول ديماه، توکلی وزير کار پس از يك صاحبه طبيعياتي متن پيشنويس قانون کار را در اختيار طبيعيات مي گذارد. البته اين صاحبه در روز ۳۰ آذرماه انجام گرفته است و در همان روز متن پيشنويس در تهران چاپ مي شود. روز اول ديماه متن صاحبه به چاپ مي رسد. علت علني کردن متن پيشنويس را توکلي ايجنبين توضيح ميدهد: "طبق قولي که قلابه مردم عزيز و کارگران در مورد انتشار پيشنويس قانون کار داده بود يم چون هنگام ارائه آن به هيأت دولت برادر موسوي از ما خواسته بودند که به مدت يكماه از انتشار آن خودداری کنیم اينک طبق قولي که داده بوديم همان پيشنويس قبلي را بدون تغييراتي که بايد روی آن داده شود برای چاپ در اختيار شما قرار مي دهيم." در جواب سؤال يکی از خبرنگاران که در باره ديدار روز گذشته (۲۹ آذر) توکلی با امام پرسیده بود "توکلی گفت که فقط گزارش را خدمت امام عرض کرده و اين گزارش در مورد نحوه تدوين قانون کار بوده است." از نحوه برخورد توکلی در صاحبه روشن است که نظر او صد درصد مخالف نظر موسوي و خامنه ای است و بسا انجام اين صاحبه و علني کردن متن پيشنويس می خواهد عکسبرگ کميسيون نه نغری هيأت دولت را که ما بررسيديگی به متن پيشنويس شده اند تحت الشعاع قرار داده و با حمايت ائمه جماعت و حوزه علميه حرف خود را به گرسى بنشانند.

نشریه ماهانه "اتحاد" از انتشارات توده ايها که نشریه ای کارگری است، شماره جديدش را اختصاص به بررسي مسأله قانون کار داده و خواستار مشارکت نمايندگان کارگران در تهیه و تدوين قانون کار شده است.

کارگران کارخانه جرم سازی خسروي تبريز با ارسال طوماری به مجلس اسلامي خواستار اعزام يك هيأت صلاحيتدار برای بررسي علت توقف کار در اين کارخانه شده اند. کارگران اين کارخانه در وضعيتي اسفبار کار می کنند. محيط کار شديدآلوده است، نه فقط به خاطر ماده اوليه صرفي، يعنی پوست خام که حامل ميكربهازبان بيماری است، بلکه همچنين به علت کار با انواع و اقسام مواد شيميايی مضر که بخارات آن در هوا پخش می شود. کارخانه فرسوده و قدیمی است و از لحاظ ايمنی هيچگونه تجهيزاتي در اختيار کارگران گذاشته نشده است. اخيرا به علت آنکه مدیریت کارخانه (مدیر دولتی) پوست خام نا مرغوب وارداتی را جهت توليد به کار گرفته است نه تنها محصول کيفيتش پائين آمده، بلکه کار برای کارگران نیز شاق تر گردیده است. اين کارخانه تابع گروه صنعتی ملی، آذرين و الوند است. اکنون مدت دو ماه است که کارگران باید بیست و نهم روز بر سر مسأله ای که اشاره شد در تکرار دارند.

بهباد نوي در وزارت صنايع سنگين دفتر مخصوصی را سازمان داده است که کارش رسيدگی به امور کارگری می باشد. از طريق اين دفتر، نهيی سعی دارد تا نظرات خویش را در بين کلبه کارگران پخش نموده و حمايت آنان را جلب نماید.

روز چهارم ديماه، بهباز نوي و باندش بار ديگر از کارخانه ايران ناسيونال در تهران ديدن کردند. آنان در

جلسات جداگانه با هيأت مديره کارخانه وانجين اسلامي به گفتگو پرداختند. سپس نوي و همراهنش در جمع کارگران که همگی نسبت به "قانون کار" اعتراض داشتند، شرکت جمعی و در باره "پيشنويس قانون کار" توضیحاتی داد و سعی نمود تا کارگران را آرام سازد.

## در سرگ

در آخرين لحظات صفحه بستان نشریه پيام آزادی خبر جنايت بزرگ ولايت فقها در آمل را دريافت کرديم. با اين که اين در مرد مخوار هر روز جنايتي از نو ميکند، اما هر بار باز هم موفقی ميشود با ابداعات و تکرارهای خویش در زمينه جنايت انسانيت را از نو دچار تحير و ماتمزدگی با هم عسقی تر و در ناکتار بسازد. اعدام بيست و دو تن "سرمدار" در برابر نظاره مردم آمل و اعضای خانواده محکومين رژيم جنايت اندوهناک از بد اين روزگار فقيه زده را ميفزاید، اما عزم ها نیز راسخ تر ميشوند. تا ديوهست، زندگي نيست. زندگي مرگد يور را حکم ميکند.

بيرو اعلاميه ۸ ماده ای خميني، معاون دادستان انقلاب اسلامي ويزه امير صنفی اعلام کرد که: چند عضو وزارت بازرگانی به جرم رشوه خواری، فروختن کوبن کالا و تخلف در توزيع تحت تعقيب قرار گرفتند. رژيم تلاش می کند تا ناراضگی مردم را در زمينه اقتصاد و عدم امنيت اجتماعي و نفسی و قضائی اينگونه پاسخ گوید.

مردم میگویند جريان اعلاميه ۸ ماده ای همان بسازی "فضای باز سياسي" است که سرآغازی شد برای سرنگونی رژيم شاه. تنها اينبار خميني شخصا نقش شاه را بازی، شريف امامی و آميزگار را، خواهد پکجا ايذا کند. اما کور خوانده است. اين ترند کوچک تبديل به شکاف بزرگ خواهد شد که سيل مردم، سد خفکان رژيم را در هم خواهد شکست.

گفته می شود: سفر ناطق نوري، وزير کشور خميني به پاکستان جهت مذاکره با حبيب طشپی و نمايندگان دولت سعودي است. صيا الحق از سفر امريکا بازگشته است، همزمان با سفر ناطق نوري، حبيب طشپی و محمد اشرف عارگانی، فرمانده نيروی درياي سعودي به اين کشور سفر کرده اند. رژيم صيني می خواهد از اين طريق به نيأت امريکا و کشور طشپی و به ويزه شورای همکساری خليج بی بيرد و احتمالاً زمينه های سازش را فراهم سازد. بازی ۸ ماده ای نیز برای پوشاندن چنين حرکات پست برده ای به راه افتاده است تا افکار عمومی را تحت تاثير جو داخلی قرار دهند و با خيال راحت به کارشان برسند. همانگونه که برای رهائی گروگانهای امريکائی بازی جنگ را بزرگ کرده اند.

بقیه در صفحه ۱۱

POSTLAGER-NR: 076239 A  
5600 WUPPERTAL 1  
WEST-GERMANY  
R.V.L.  
STADTSPARKASSE WUPPERTAL  
KONTO-NR: 598573  
BLZ: 330 500 00

آدرس:

حساب بانکی:

## به یاد جمهوری مهاباد

پيام شورای متحد چپ به حزب دمکرات کردستان به مناسبت سالگرد جمهوری مهاباد

رفقای عزيز

شورای متحد چپ برای دمکراسی و استقلال، برگزاري اجلاسيه امروزشعارا به مناسبت سي وهفتمين سالگرد تشکيل جمهوری کردستان ايران، به شما و به همه مردم مسلحشور کردستان از صميم قلب تهنيت ميگويد.

در تاريخ ۲ بهمن ماه ۱۳۲۴، سي وهفت سال پيش خلق دلير کرد، نخستين سنگ جمعی صوری خود مختار کردستان را در شهر مهاباد بنا نهاد، تا بر اساس دمکراسی و آزادی با حفظ تماميت ارضی ايران سرنوشت خود را بدست گیرد. هنوز پيش از يك سال از عمر اين جمهوری جوان نگذشته بود، که رژيم دست نشاندۀ پهلوی، بکمک اميرالايستها بالمشکرکشی به کردستان و قتل عام مردم بی گناه و ستم ديده اين منطقه به حيات اين جمهوری موقتا خاتمه داد، اما خاطره تابناک یکساله اين جمهوری چون مشعلی فروزان در قلوب مردم ستم ديده کردستان باقی ماند و پس از آن همواره روشنی بخش فرا راه بينگراهی تاريخی اين خلق قهرمان گردید. در سي وهفت سال گذشته رژيم دست نشاندۀ پهلوی بارها به سرکوب مبارزات عادلانه مردم کردستان دست بازديد و اسقاط رژيم شاهنشاهی، اين سياست سرکوب اظرف رژيم ارتجاعی و قرون وسطائی خمینی، وارث ناقص الحلقه رژيم شاه، دنبال شد. و کردستان قهرمان اين برجم دار "دمکراسی برای ايران" و خود مختاری برای کردستان "بخاک و خون کشيده شد. اکنون مدت سه سال است که مقاومت عادلانه خلق غيور کرد در برابر رژيم بر سر منش خميني در میان خون و آتش بيگانه دنبال ميشود.

نبرد سرنوشت ساز مردم کردستان ايران، ايمن بار دارش هوشیاری نیروهای انقلابيش و يویژه در ايت حزب دمکرات کردستان ايران، حمايت و پشتيبانی بيشتر سازمانهای انقلابی و دمکرات ايران و جهان را بخود جلب کرده است. بينگر خلق کرد از حمايت بی دريغ تنها آلترناتيو مردمی و دمکراتیک ايران، شورای ملی مقاومت نيز برخوردار است.

شورای متحد چپ برای دمکراسی و استقلال از آغاز تشکيل خود از خواستهای بخق خلق کرد دمکراسی برای ايران و خود مختاری برای کردستان "صادقانه دفاع کرده و در آینده نیز اين سياست را سرسخته دنبال خواهد نمود.

رفقا! اجازه بدهيد بناء شورای متحد چپ، برای بيگار عادلانه خلق کرد و اجلاسيه امروز شما، آرزوی موفقيت نماييم.

بيروز با ديکارد لا ورنده مسلحانده خلق کرد موفق با دمبارزات حزب دمکرات کردستان ايران مستحکم با همبستگی مبارزاتی خلقهای ايران نابود با رژيم قرون وسطائی خمینی زندهداد آزادی

۲ بهمن ماه ۱۳۶۱

برای سرنگون کردن ارتجاع فاشيستی به «شورای ملی مقاومت» بپیوندیم